

« تنها چیزی که دانشگاه را اسلامی می کند، دانش اسلام است »

آیت اله جوادی آملی

نسبت اسلام با مراحل پنجگانه در فرایندهای انسانی

نظریه سلام (SALAM)

طرح مدلی (بنیادی - کاربردی) در (ساختار، منابع، میانی و ارزیابی) آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی
(راهبردها، راهکارها، راه حل ها و نقد فرایندهای انسانی)

مهندس عبدالحمید نقره کار : دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

A_noghrekar@iust.ac.ir

فهرست مطالب نظریه نسبت اسلام با فرایندهای انسانی

پیشگفتار

مقدمه

فرایند انسانی در ذیل مشیت الهی

رابطه اسلام با علوم

نسبت مکتب اسلام با مراحل پنج گانه از فرایندهای انسانی

نسبت اسلام با ساختار مراحل پنجگانه در فرایندهای انسانی

نسبت اسلام با مرحله اول در فرایندهای انسانی

نسبت اسلام با مرحله دوم از فرایندهای انسانی

نسبت اسلام با مرحله سوم از فرایندهای انسانی

اصول دهگانه اجتهاد تخصصی، برای اتخاذ راه حل های عملی و اجرایی در خلق آثار

تجلی ایده آل های فطری و فرا زمانی و مکانی هنرمندان (صفات الهی) در خلق آثار مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی

نسبت اسلام با مرحله چهارم از فرایندهای انسانی (اثر هنری خلق شده)

بررسی تطبیقی در رابطه مخاطبین با اثر خلق شده

تناظر فرایندهای الهی در چهار مرحله از عالم وجود با فرایندهای انسانی نفوس چهارگانه انسان از منظر حضرت علی (ع)

نسبت اسلام با مرحله پنجم از فرایندهای انسانی

رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین از دیدگاه اسلام

جمع بندی و نتیجه گیری

منابع و مأخذ مقاله

پیشگفتار

هرگز اگر راه به معنی برد سجده صورت نکند بت پرست

در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، که بدون آن فرهنگ اسلامی در ایران تثبیت و پایدار نخواهد شد، نیاز مبرم به نقشه راه و ارائه مدل‌هایی است با ساختاری است با و مراحل کامل، منسجم و منطقی که مبتنی بر فرهنگ اسلامی، شالوده نظری اسلام، منابع مبانی آن، بتواند راهبردهای مفهومی، راهکارهای عملی و راه حل‌های اجرایی را در موضوعات مختلف تبیین و تشریح نماید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اصول کلی و عمومی این تمدن تاریخ ساز در قانون اساسی و سپس در رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و پس از آن در بیانات و راهبردهای تأیید شده توسط مقام معظم رهبری بارها تکرار و توصیه شده است. آنچه توسط شورای تشخیص مصلحت نظام در برنامه‌های مقطعی و چشم اندازها ارائه شده است و در نهایت توسط شورایی انقلاب فرهنگی در حوزه معماری و شهرسازی با نام **سند ملی معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی** ویرایش هفدهم در **دی ماه ۱۳۹۵** به تصویب رسیده است تا حدودی **سیاست‌ها و ضوابط و اقدامات اساسی و کلی** را بیان می نماید.

سند فوق فاقد ساختاری است که مراحل، موضوعات و مبانی هر مرحله را تفکیک نموده و رابطه آنها را مشخص نموده باشد تا بتوان از طریق مدلی جامع و مانع، فرایندهای فردی و اجتماعی انسانها را در ذیل مشیت حکیمانه، مدبرانه و ازلی و ابدی الهی مورد ارزیابی و نقد قرار داد. آنچه را که در دانشگاه‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا با ترجمه و تقلید برنامه‌های آموزشی در کشورهای غربی و سپس تحولات آن مبتنی بر رویکرد غیر دینی **سکولاریسم** و ضد دینی **لائسیسم** در حوزه سرفصل و محتوای دروس و آموزش‌ها و پژوهش‌ها اتفاق افتاده است و هنوز با وجود تشکیل کارگروه‌های تحول و ارتقاء علوم انسانی در شورایی انقلاب فرهنگی، به خصوص در گروه هنر و معماری و شهرسازی استمرار دارد، حدیث تأسف باری است که جداگانه به آن خواهیم پرداخت.^۱

رویکردی که در مراکز اجرایی نظیر وزارت راه و شهرسازی و شورایی معماری و شهرسازی و شهرداری‌ها به خصوص در کلان شهرها ادامه یافته است، بنده بارها اعلام کرده ام که **اغلب آنها غیر علمی، غیر عقلانی، غیر انسانی و غیر اسلامی** است. ولی آنها می گویند رویکردی **اقتصادی** است و بنده می گویم با یک نگاه جامع، کلان، ملی و پایدار، قطعاً **غیر اقتصادی** است. بحث پیرامون این حوزه نیز، جایگاه دیگری دارد، که باید جداگانه به آن پرداخت.^۲

کلمات کلیدی: فرهنگ، تمدن، مدل، ساختار، فرایند، ابرنظریه، زیبایی، حکمت هنر، اسلام، معماری، راهبردها، راهکارها، اجتهاد تخصصی، ارزیابی کمی و کیفی.

^۱- پیوست یک- بحث پیرامون تحولات سرفصل و محتوای دروس گروه هنر، معماری و شهرسازی.

^۲- پیوست دو - مقاله دکتر سیر مجید هاشمی در این مورد ارائه شود.

مقدمه

رو به معنی کوش ای صورت پرست تا نباشی بت تراش و بت پرست (مولوی)

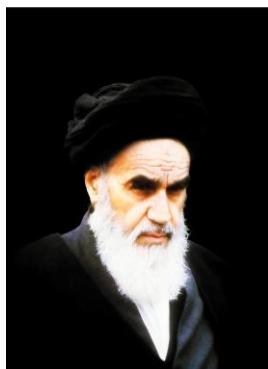
در جهت ارائه نقشه راهبردی برای طراحی و تحقق تمدن نوین اسلامی و خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی تحقق متناسب با فرهنگ اسلامی. مجموع شرایط کنونی کشور ایران، لازم است ابتدا مدلی (بنیادی - کاربردی) از ساختار کلی و مراحل این فرایند را ارائه و منابع و مبانی آن را تبیین نمود. سپس راهبردها، راهکارها و راه حل های آن را مبتنی بر منابع و مبانی اسلامی بررسی و تشریح کرد، آنگاه از طریق این مدل بتوان ابعاد و عناصر مختلف آثار هنری و معماری و شهرسازی را مورد ارزیابی و نقد قرار داد تا با تحلیل و نقد عمیق، منطقی برنامه ها، آموزشی ها، پژوهشی ها، طراحی ها و آثار ایجاد شده، راه را برای اصلاح و تکمیل آنها به سوی وضع مطلوب هموار نمود.

سر فصل و محتوای آموزشی را از فرایندهای ترجمه ای و تقلیدی موجود مبتنی بر هویت (اسلامی - ایرانی) متحول نموده و ارتقاء بخشید با ایجاد دوره های دانش افزایی و هم اندیشی اساتید عزیز بتوانند به تعامل و هم افزایی بیشتر روی آورند، دانشجویان و فارغ التحصیلانی نیز در طراز جمهوری اسلامی ایران به میدان تاریخ سازی روی آورند و جاهلیت مدرن یعنی فرهنگ و تمدن مفسده انگیز و ظلم خیز (لیبرال سرمایه داری) معاصر غربی را با رویکرد (بیداری اسلامی) متحول و منقلب نمایند.

بدیهی است این انقلاب آینده ساز نیاز به فرهنگ سازی و ترویج عمومی در همه ابعاد دارد و بسترسازی و زیر ساخت های بنیادنی آن باید توسط دولتمردانی صورت پذیرد که رویکردی استکبار ستیز، ضد دنیا پرستی (سرمایه داری) و ضد هواپرستی (لیبرالیستی) داشته باشند. یعنی متعهد به فرهنگ اسلامی و متخصص در مسئولیت هایی که به عنوان امانت می پذیرند و در عمل خادم مردم باشند.

جایگاه دانشگاه ها و فرهنگ از منظر حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در اهمیت جایگاه دانشگاه ها در این تحول انقلابی و تاریخ ساز می فرماید: اگر دانشگاه ما اصلاح شود، کشور ساخته خواهد شد. در جایگاه تحول فرهنگی به عنوان مقدمه تمدن سازی می فرماید:



- بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است.

- با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه، در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است. (۴/۸/۵۸)

پنج مرحله تا تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب نیز در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی در ایران، پنج مرحله را به شرح ذیل تبیین نموده اند.



مقام معظم رهبری :

مراحل پنج گانه در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی در ایران:

- ۱- پیروزی انقلاب اسلامی (بر نظام سلطنتی و وابسته به استکبار جهانی).
- ۲- تثبیت نظام جمهوری اسلامی (مبتنی بر دو مؤلفه بنیادی قانون اساسی و جایگاه ولی فقیه).
- ۳- تثبیت دولت اسلامی (همه مدیران نظام در تمام قوا، در امور خود متخصص و متعهد باشند).
- ۴- تثبیت جامعه اسلامی (افکار، رفتار و آثار فردی، خانوادگی و اجتماعی شهروندان اسلامی شود).
- ۵- تحقق تمدن نوین اسلامی (از جمله آثار هنری و معماری و شهرسازی ایران، دارای هویت اسلامی ایرانی شوند).

ایشان در تبیین مراحل فوق می‌فرمایند، مرحله اول با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) انجام شده مرحله دوم نیز با تثبیت قانون اساسی و جایگاه رهبری و قوای چندگانه آن صورت پذیرفته است. اکنون ما در مرحله سوم یعنی تشکیل (دولت اسلامی) هستیم. متأسفانه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ما شاهد نقاط ضعف متعددی در سطوح مدیریتی کشور بوده ایم. از آنجا که این مدیران در یک سلسله مراتبی توسط مردم انتخاب می‌شوند، باید با ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه به مردم عزیزمان در انتخاب اصلح و مدیران متعهد و متخصص کمک نمود.

روش، منابع و مبانی این نظریه

از آنجا که در این رساله علاوه بر نظریات برخی از حکمای اسلامی به طور خاص از نظریات علامه آیت الله جوادی آملی نیز بهره برداری شده است، چند فراز از نظریات ایشان را در رابطه اسلام با علوم یادآوری می‌نمائیم.

تنها چیزی که دانشگاه را اسلامی می‌کند، دانش اسلامی است.



دین نسبت به هیچ یک از علوم کلی یا جزئی بی‌نظر، یا بی تفاوت نیست، بلکه نسبت به همه آنها کلیات و اصولی را که منشأ تفریع فروع دیگر هستند القاء می‌نماید.

آیت الله جوادی آملی



آیت الله جوادی آملی

- گرفتاریهای انسان از علم بدون دین است .
- باید علوم را اسلامی کنیم .
- اگر دانش اسلامی شود،
- دانشگاهها اسلامی خواهد شد.
- تمامی علوم تبیین فعل خداوند است
- ولی افعال انسان یا اسلامی است یا الحادی.

مغالطه در مفاهیم (اسلام، مسلمانان، آثار مسلمانان، ایران و ایرانی)

در این رساله نگارنده تلاش می نماید مراحل این ساختار را بر اساس محتوا و مبانی آن از یکدیگر تفکیک نماید تا از مغالطه های معمول و پیش فرض های مغلوط موجود جلوگیری نماید. یکی از مهمترین مغالطه های موجود، ساختار شکنی حقایق و ارزش های انسانی با بهانه خلاقیت و نوآوری است. در صورتی که با حفظ ارزش ها و صفات مفهومی می توان میلیاردها اثر اصیل با ماده و صورت های جدید خلق نمود. نظیر وجود معنای مشترک برای نوع انسان ها در خلقت الهی و تشابه در ساختار کلی و عمومی بدن او و در عین حال خلق میلیارد ها انسان در طول تاریخ بدون تشابه ظاهری، جزئی و فردی در هنر و معماری. آفرینش مغالطه دیگری را که متأسفانه برخی اساتید دانشگاهی و مدیران دولتی نیز دچار آن بوده و هستند و لازم است در این مقدمه به آن اشاره نمود، عدم تفکیک مفاهیم متمایزی نظیر (اسلام، مسلمانان، آثار مسلمانان و ایران و ایرانی) است. آنچه که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می فرمائید، مفاهیم مزبور از نظر منطقی بسیار متفاوت بوده و اصول حاکم بر آنها کاملاً مختلف است و نباید به جای یکدیگر به کار گرفته شود. بدیهی است پیش فرض های این نظریه بر پایه مکتب اسلام و منابع و مبانی آن می باشد. در محتوا و روش این تحقیق علاوه بر منابع و مبانی اسلامی، بطور خاص از نظریات حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی در حوزه علم دینی بر حسب مورد بهره برداری شده است.

جمع بندی از روش و مبانی

نظریات ارزشمند ایشان را در نمودار شماره ۲ به صورت اجمالی ارائه نموده ایم و برای دریافت کامل مطالب مهم و عمیق ایشان باید به تألیفات متعدد و متنوع این علامه بزرگوار مراجعه نمود.^۳

^۳- تألیفات آیت الله جوادی آملی در ارتباط با این موضوع ارائه شود، نظیر (شریعت از آئینه معرفت)، (تفسیر تسنیم) و غیره

رابطه مکتب اسلام با علوم : ۱

(منابع، مبانی و روش های تحقیق)



آنچه (علمی) است، (عقلانی) است
آنچه عقلانی است، (اسلامی) است
اسلام مبتنی بر دو منبع (عقل و نقل)
با روشهای (استدلال منطقی) و (تفسیری)
(کلیات همه علوم) را مطرح نموده و (اثبات) می نماید.
دستاوردهای علوم تجربی (استقرایی) نیز تا نقض نشود اسلام به عنوان (علوم ظنی) می پذیرد.
بنابراین مکتب اسلام جامع علوم (بشری و وحیانی) است.
در این نظریه هم از پیامبر درونی (عقل) و هم از پیامبر بیرونی (نقل) بهره برداری شده است.
بنابراین هم (درون دینی) و هم (برون دینی) قابل اثبات است.

۱- نظریه علم دینی از آیت الله جوادی آملی - دکتر خسرو پناه، ۱۳۸۹، فصلنامه اسراء - شماره ۲

از آنجا که فرایندهای انسانی بطور عام و از جمله خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی دارای مباحث مشترک در فلسفه هنر می باشند. این رساله به مشارکات این حوزه ها نیز می پردازد. ساختار محتوایی این رساله می تواند در حوزه های برنامه ریزی های آموزشی پژوهشی، فرایندهای طراحی، روش تحقیق و نقد آثار هنری مبتنی بر فرهنگ اسلامی مورد بهره برداری دانش پژوهان، طراحان و مجریان قرار گیرد.

ساختار و مراحل در فرایندهای الهی

ابتدا ساختار توحیدی و نقطه ای از فرایندهای الهی را در نمودار شماره ۱ ارائه می نمایم.

نمودار شماره ۱- ساختار توحیدی در فرآیند الهی (نظام نقطه ای)

ساختار توحیدی در فرآیندهای الهی (نظام نقطه ای)



قرآن: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**
همه از اوئیم و همه به سوی اوئیم

نظریه حکمای اسلامی:

حقیقه الحقایق عالم فقط «ذات الهی» است (واجب الوجود).
مراحل وجود، مراتب نزول ذات الهی است (ممکن الوجودها).

حضرت علی (ع) می فرماید: «العلم نقطه کثرها الجاهلون».

علم نقطه ای است، جاهل ها آنرا کثیر معرفی نموده اند

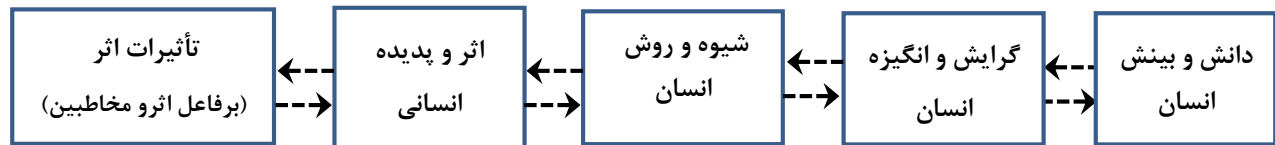
نمودار (توحید ذاتی، صفاتی و افعالی)

چنانچه در نمودار شماره یک ملاحظه می‌فرمائید ، فرایند خلقت و آفرینش از منظر فرهنگ توحیدی اسلام، منبعث از (نازل شدن ذات الهی) در (مراتب وجود) است که از آن به (واجب الوجود) یعنی ذات الهی و (ممکن الوجودها) یعنی مراتب وجود یاد می‌نمائیم. ساختار و مراحل خلق عوالم وجود توسط خداوند یکتا را حکمای اسلامی در سه عالم کلی و سه ساحت وجودی مطرح نموده اند که در نمودار شماره یک ملاحظه می‌فرمائید. سه ساحت وجود فوق، همه منبعث از عالم الهی بوده و با یکدیگر رابطه طولی دارند، چون رابطه قرص خورشید با انوارش که به تدریج از بعد حرارت و روشنایی کاستی می‌پذیرند ولی در هر حال، تابش خورشید یگانه هستند. به این رابطه خاص حضرت علی (ع) در فرازی از خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: خداوند درون پدیده‌ها است با آنها یکی نیست، بیرون از آنها است و از آنها جدا نیست.^۴

ساختار و مراحل در فرایندهای انسانی

اما ساختار و مراحل فرایندهای انسانی نظیر خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی و به طور کلی هر نوع فرایندی نظیر (گفتار، رفتار و آثار) انسانی را مبتنی بر جایگاه طولی هر یک از آنها می‌توان به پنج مرحله کلی و اجمالی طبقه بندی نمود. (نمودار شماره ۲)

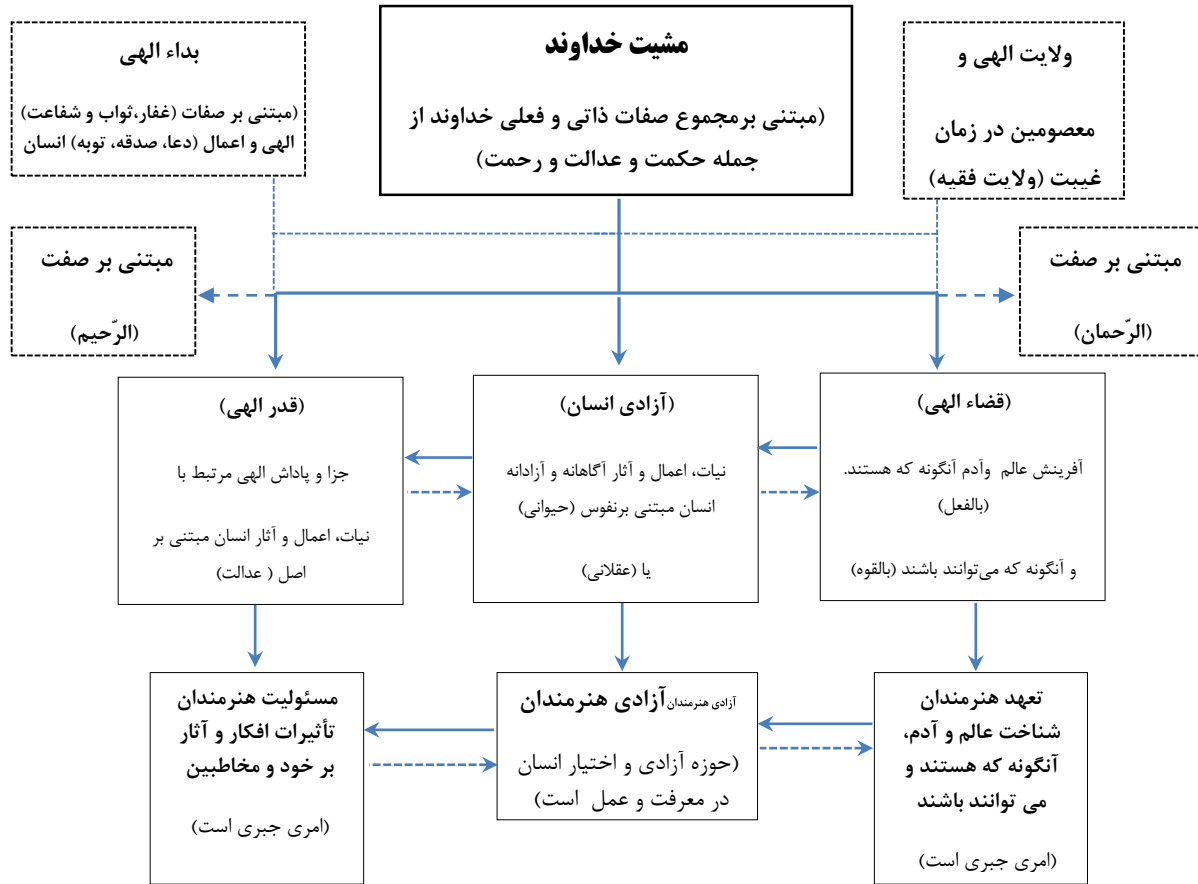
نمودار شماره ۲- ساختار و مراحل پنجگانه در خلق فرایندهای انسانی



^۴ - نهج البلاغه خطبه شماره ۱ (مع کل شیئ لا بمقارنة و غیر کل شیئ لا بمزایلة)

فرایند انسانی در ذیل مشیت الهی

نمودار شماره ۳ - فرایندهای انسانی در ذیل مشیت الهی



چنانچه در نمودار شماره ۳ ملاحظه می‌فرمایید، نظام هستی مبتنی بر صفات ذاتی و فعلی خداوند، بهترین نظام ممکن (نظام احسن) بوده و براساس صفت حکمت یعنی (تشخیص و داوری بین، حق و باطل، خیر و شر و زیبایی و زشتی) و صفت عدالت یعنی (قرار دادن هر چیز در جای مناسب و شایسته آن) و صفت رحمت یعنی (جهت‌گیری تکاملی برای همه پدیده‌ها و بطور خاص انسان‌ها) طراحی و خلق شده است. هستی عالم و آدم، مبتنی بر رحمت عام الهی، یعنی صفت (الرحمان) به صورت بالقوه و بالفعل تحقق یافته است. در این نظام، انسان موجودی است مرکب، دارای دو نفس (حیوانی) و (عقلانی). انسان تنها موجودی است که می‌تواند آزادانه یا از نفس حیوانی (حسی - غریزی) خود و یا از نفس عقلانی (معنوی و روحانی) خود اطاعت کند و فرایندهایی را خلق و ایجاد نماید. نظام هستی در مقابل فرایندهای انسانی بی‌تفاوت، خنثی و منفعل نیست، بلکه کوچکترین نیت، اعمال و آثار انسان‌ها را در نظر دارد. فرایندهای عالمانه، عاقلانه و معنوی آن‌ها را، مبتنی بر صفت (الرحیم) خودپاداش تکاملی می‌بخشد و فرایندهای غیر حکیمانه و ظالمانه آن‌ها را بر اساس صفت عدل خود، جزاء عادلانه می‌دهد. در این نظام احسن، با

حفظ آزادی انسان‌ها، جهت‌گیری و غایت‌نهایی، تکاملی و مثبت‌طراحی و خلق‌شده است. در این نظام (آزادی انسان) بین دو جبر یعنی (قضا و قدر الهی) تبیین می‌شود.^۵ (ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۶۴، ج ۱ ص ۱۹۳)

در این نظام انسان (متعهد) است، خود و عالم را آنگونه که هست و می‌تواند باشد، دقیقاً و عیناً بشناسد، سپس آزاد است در جهت مثبت یا منفی عمل نماید (مراحل دو، سه و چهار از نمودار شماره ۱-۱) و در نهایت (مسئول) نیت، اعمال و آثار خود می‌باشد.

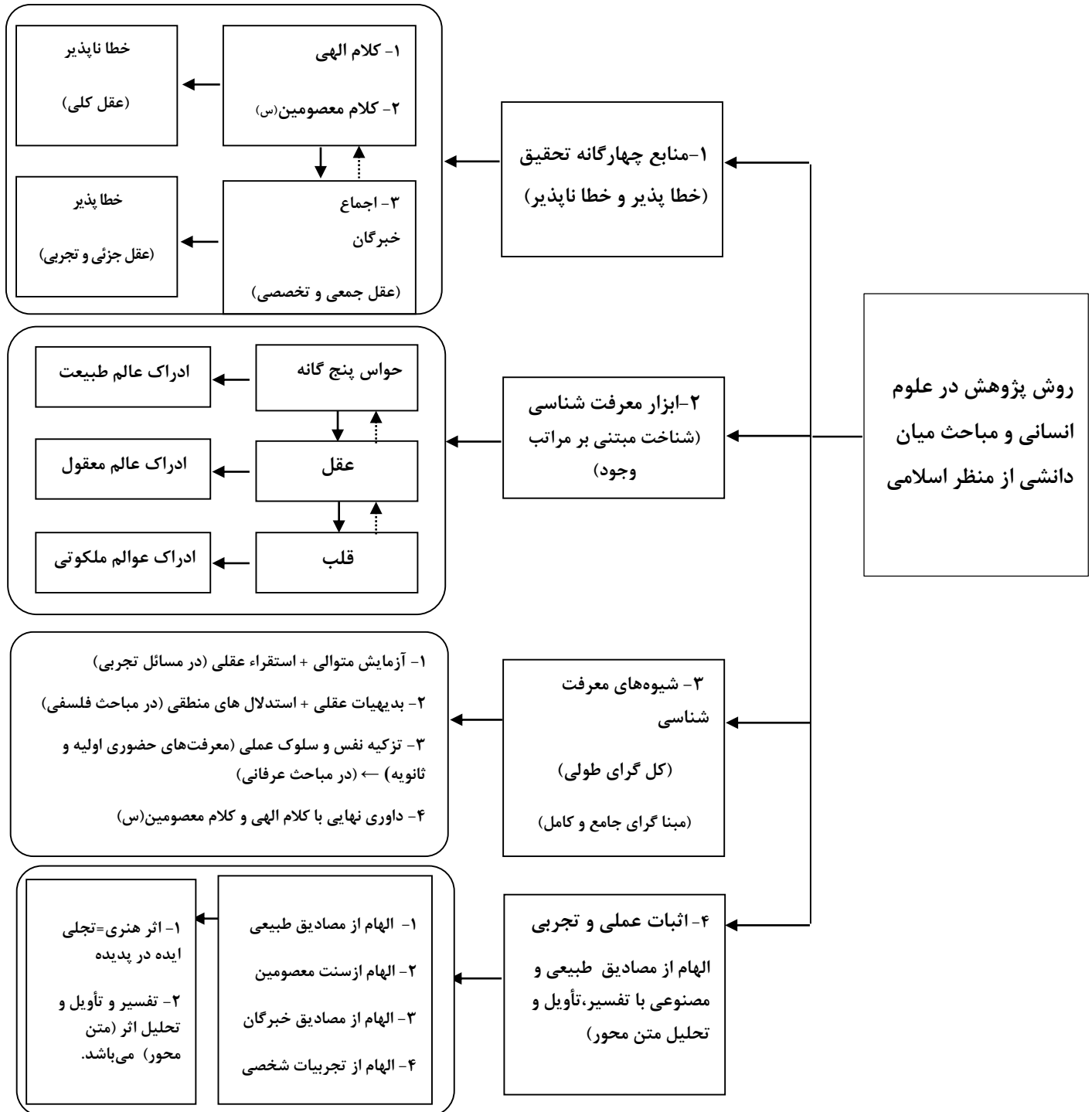
جمع بندی شماره ۲

- ۱) فرایندهای انسانی در ذیل نظام کل هستی و مشیت حکیمانه، عادلانه و رحمانی الهی، قابل تبیین و تشریح است.
- ۲) مشیت الهی از طریق (قضا و قدر) و صفات (رحمان و رحیم) خود، جهت‌گیری تکاملی هستی را تضمین نموده است.
- ۳) آزادی انسان و فرایندهای او بین دو جبر (قضا و قدر الهی) محاط می‌باشند (۷).
- ۴) انسان‌ها قبل از عمل (متعهد) شناخت عالم و آدم و بعد از عمل (مسئول) نیت، اعمال و آثار خود هستند.
- ۵) بنا بر این آزادی انسانها (هنرمندان) مطلق نیست و آزادی آنها مبتنی است (۸) بر شناخت حقایق و واقعیت‌های عالم و آدم، آنگونه که هستند و می‌توانند باشند و سپس مسئولیت‌پذیری در قبال افکار، نیت و آثار خود.

۵- امام صادق در پاسخ فردی که از جبر یا آزادی انسان سؤال نمود، فرمودند: «لا جبر و لا تفویض بل أمر بین الأمرین». نه جبر است و نه اختیار، بلکه امری است بین دو امر دیگر. (ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۶۴، جلد یک، صفحه ۱۹۳)

رابطه اسلام با علوم (شالوده نظری و مباحث میان دانشی)

نمودار شماره ۴- در علوم انسانی و مباحث میان دانشی نظیر (آثار هنری و معماری و شهرسازی) از منظر اسلامی



شالوده نظری این رساله برپایه فرهنگ اسلامی و شناخت‌شناسی آن درحوزه علوم انسانی و هنر، از منابع چهارگانه کلام الهی و راهنمایی‌ها و تفسیر معصومین(ع) و اجماع خبرگان، فقیهان و اسلام‌شناسان و بدیهیات عقلی و منطقی و تجربی، در یک رابطه طولی برگرفته شده است. به گفته دیگر دریافت‌های عقلی-تجربی با معیار اجماع خبرگان محک می‌خورد؛ و داوری نهایی با کلام الهی و معصومین(ع) است. درحوزه عمل و ارائه راه حل‌های مصداقی و خلق اثر نیز برپایه اصول ده‌گانه اجتهاد در مکتب تشیع، تمام عوامل و شرائط زمانی و مکانی(عصری) مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه گذشت از منظر اسلامی در حوزه مباحث نظری صرفاً می‌توان به نوآوری در تفسیر و تأویل یا تعبیر و تدوین جدید از مضامین متشابه در کلام الهی و معصومین(ع) پرداخت. این دیدگاه‌ها در مقابل نظریات رقیب می‌تواند نظریه‌ای جدید و بدیع شمرده شود؛ و در حوزه عمل برپایه معارف اسلامی و اصول ثابت فطری و فرازمانی و مکانی آن می‌توان با اجتهاد تخصصی و تجربی به ارائه راهکارهای جدید و عملی پرداخت. روش‌ها و شیوه‌های طراحی و خلق آثار هنری و معماری را می‌توان با توجه به اصول ده‌گانه اجتهاد شیعی(نمودار شماره ۳) و مجموع عوامل و شرائط زمانی و مکانی به طور نسبی و متنوع از اصول ثابت فطری و انسانی اجتهاد نمود و به خلق سبک‌های نوین و آثار بدیع و اصیل پرداخت. این فرایند را امام صادق(ع) در حدیث مشهوری ابلاغ نموده‌اند.^۶

بنابر این از طریق منابع و مبانی اسلامی به عنوان شالوده نظری می‌توان موضوعات را از طریق منابع عقلی و با روش (استدلال منطقی) به صورت (برون دینی) یعنی کسانی که منکر علمی بودن منابع(نقلی و وحیانی) هستند مورد بحث و استدلال قرار داد و هم به صورت (درون دینی) با کسانی که خطاناپذیر بودن منابع (نقلی و وحیانی) را پذیرفته‌اند با دو روش (استدلال منطقی) و روش (تفسیری-تحلیلی) بحث و استدلال نمود.

۱۱- حدیث از امام صادق(ع): «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریح».

نسبت مکتب اسلام با مراحل پنج گانه از فرایندهای انسانی

ساختار و مراحل پنج گانه در خلق فرایندهای انسانی و نوع ارتباط هر یک از آنها در همه فرایندهای انسانی جبراً و خودآگاه یا ناخودآگاه همواره دارای مبانی مطرح هستند. آنچه دستاوردهای انسانی را از یکدیگر متمایز و قابل ارزیابی می نماید، محتوای این فرایند و آنچه معیار ارزیابی محتوای فرایندهای انسانی است، مکتبی می تواند باشد که با (حکمت نظری) خود، عالم و آدم و روابط آن را به صورت خطا ناپذیر تبیین نموده و با حکمت عملی خود ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را در عمل تشریح و معیارهای زیبایی و زشتی و فلسفه هنر را ارائه نموده باشند. این مکتب باید بتواند اصولی را برای تجلی ایده‌های ذهنی به پدیده‌های مادی که وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی هستند ارائه نماید. از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی توانند انسان و غایت او را جامع و مانع و خطاناپذیر تشریح نمایند و مکاتب الهی غیر از اسلام نیز، دچار تحریف و نقص شده اند. از منظر تشیع، تنها مکتب اسلام مبتنی بر کلام الهی و سنت معصومین (س) خطاناپذیر و جامع و مانع است و می تواند مکتب مبنا برای ارزیابی و نقد دقیق و عمیق فرایندهای انسانی باشد.

ما در این رساله به تبیین هر مرحله این ساختار از بعد منابع و مبانی آن و رابطه هر مرحله با مراحل دیگر و جهت گیری‌های مثبت یا منفی (عروجی یا هبوطی) آن از منظر اسلامی خواهیم پرداخت. تلاش خواهیم کرد حتی المقدور مباحث را به صورت بررسی تطبیقی ارائه نماییم. مطالب این نظریه علاوه بر تجزیه و تحلیل فرایندهای انسانی، می تواند در فرایند آموزش ها، پژوهش ها و طراحی ها برای کلیه رشته‌ها و گرایش‌های میان دانشی راهگشا باشد.

در این رابطه چند نکته حائز اهمیت است:

- این مدل هنگامی کامل خواهد بود که بتواند فرایندهای انسانی از جمله آثار هنری، معماری و شهرسازی را از ابعاد کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار دهد.
- از این طریق می توان برنامه ها، آموزش ها، پژوهش ها، طراحی ها و آثار را مورد تحلیل قرار داده و وضع موجود را در هر یک از حوزه های فوق به سوی وضع مطلوب اصلاح و تکمیل نمود.
- مبتنی بر این مدل می توان، سرفصل ها و محتوای دروس آموزش را از رویکرد **ترجمه ای و تقلیدی** موجود به **هویت اسلامی- ایرانی** متحول نموده و ارتقاء بخشید.
- از طریق این مدل می توان اختلاف نظرها و سوء تفاهم های موجود بین اساتید را با ایجاد کارگاه های هم اندیشی و دانش افزایی به حداقل ممکن کاهش داد و در نهایت فارغ التحصیلانی در طراز فرهنگ و تمدن اسلامی به جامعه تقدیم نمود.
- اسلام، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی ناشی از آن، جهت تاریخ معاصر را دگرگون نموده و منقلب خواهد نمود. جاهلیت مدرن غربی، فرهنگ مادیگرا و تمدن مفسده انگیز و ظلم خیز **لیبرال- سرمایه داری** آن با بریدن از وحی الهی به بن بست اجتماعی و تاریخی رسیده است.
- انقلاب آینده ساز اسلامی، باید زیر ساخت و بستر جهانی شدن خود را ساماندهی کند. این رسالت تاریخی به عهده مدیران و دولتمردانی است که رویکرد جهادی در مقابله با دنیاپرستی **سرمایه داری** و هواپرستی **لیبرالیستی** و تمدن سلطه جو و **استکباری** آن داشته باشند.

تحقق این رسالت پیامبر گونه و زمینه سازی آن به عهده مدیرانی است که علاوه بر ولایت مداری اولاً در حوزه کاری خود بهترین **متخصص** بوده و در عمل به ارزش های علمی، قانونی و اسلامی متحد و در مسئولیت هایی که به عنوان امانت می پذیرند، خادم مردم باشند.

ساختار وساحات خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی و به طور کلی هر نوع فرآیند انسانی (گفتار، رفتار و آثار) را مبتنی بر جایگاه طولی هریک، می توان به پنج مرحله کلی و اجمالی طبقه بندی نمود.

در فرایند خلق آثار انسانی (هنری و معماری و شهرسازی) پنج مرحله اصلی در ساختار آن دخالت دارند. این مراحل و نوع ارتباط هر یک از آنها در همه فرایندهای انسانی جبراً و خودآگاه یا ناخودآگاه همواره مطرح هستند. آنچه دستاوردهای انسانی را، از یکدیگر متمایز می نماید، محتوای این فرایند است و آنچه معیار ارزیابی محتوای فرایندهای انسانی است، مکتبی می تواند باشد که با (حکمت نظری) خود، عالم و آدم و روابط آن‌ها را تبیین نموده و با (حکمت عملی) خود ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را تشریح و معیارهای (زیبایی و زشتی) و (فلسفه هنر) را ارائه نموده باشد. از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی‌توانند انسان و غایت او را، جامع و مانع و خطاناپذیر تشریح نمایند و مکاتب الهی غیر از اسلام نیز، دچار تحریف و نقص شده‌اند. از منظر تشیع، تنها مکتب اسلام مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین(س)) خطاناپذیر و جامع و مانع است و می‌تواند (مکتب مینا) برای ارزیابی و نقد دقیق و عمیق فرایندهای انسانی باشد.

ما در این مقاله به تبیین هر مرحله، از بعد منابع و مبانی آن و رابطه هر مرحله با مراحل دیگر و جهت‌گیری‌های مثبت یا منفی (عروجی یا هیبوطی) آن، از منظر اسلامی خواهیم پرداخت. تلاش خواهیم کرد حتی‌المقدور، مباحث را به صورت بررسی تطبیقی ارائه نماییم. مطالب این مقاله علاوه بر تجزیه و تحلیل فرایندهای انسانی، می‌تواند در فرایند آموزش و محتوای آموزشی برای رشته‌ها و گرایش‌های میان‌دانشی، نیز راه‌گشا باشد.

جمع‌بندی شماره ۱

- ۱) فرایندهای انسانی جبراً دارای مراحل پنج‌گانه فوق می‌باشند.
- ۲) آزادی انسان، مبتنی بر محتوای این فرایند از مرحله اول تا چهارم محقق و متجلی می‌شود.
- ۳) فرایندهای انسانی می‌توانند بدوً مبتنی بر پیش فرض‌ها و ارزش‌هایی که در مکتب اعتقادی فاعل اثر و مدعی او در هر مرحله مطرح شده است، مورد ارزیابی و توجیه قرار گیرد، اما این ارزیابی‌ها از منظر اسلامی ناقص و یا منحرف تلقی می‌شوند.
- ۴) از منظر اسلامی و در نهایت، مکاتب بشری خطا پذیر و ناقص هستند، مکاتب الهی نیز دچار تحریفاتی شده‌اند و تنها مکتب اسلام (تشیع) است که مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین(س)) خطاناپذیر و جامع و مانع باقی مانده است و می‌تواند آثار انسانی را در همه مراحل این ساختار و ابعاد آن از بعد منابع و مبانی آنها عمیقاً ارزیابی و نقد نماید.

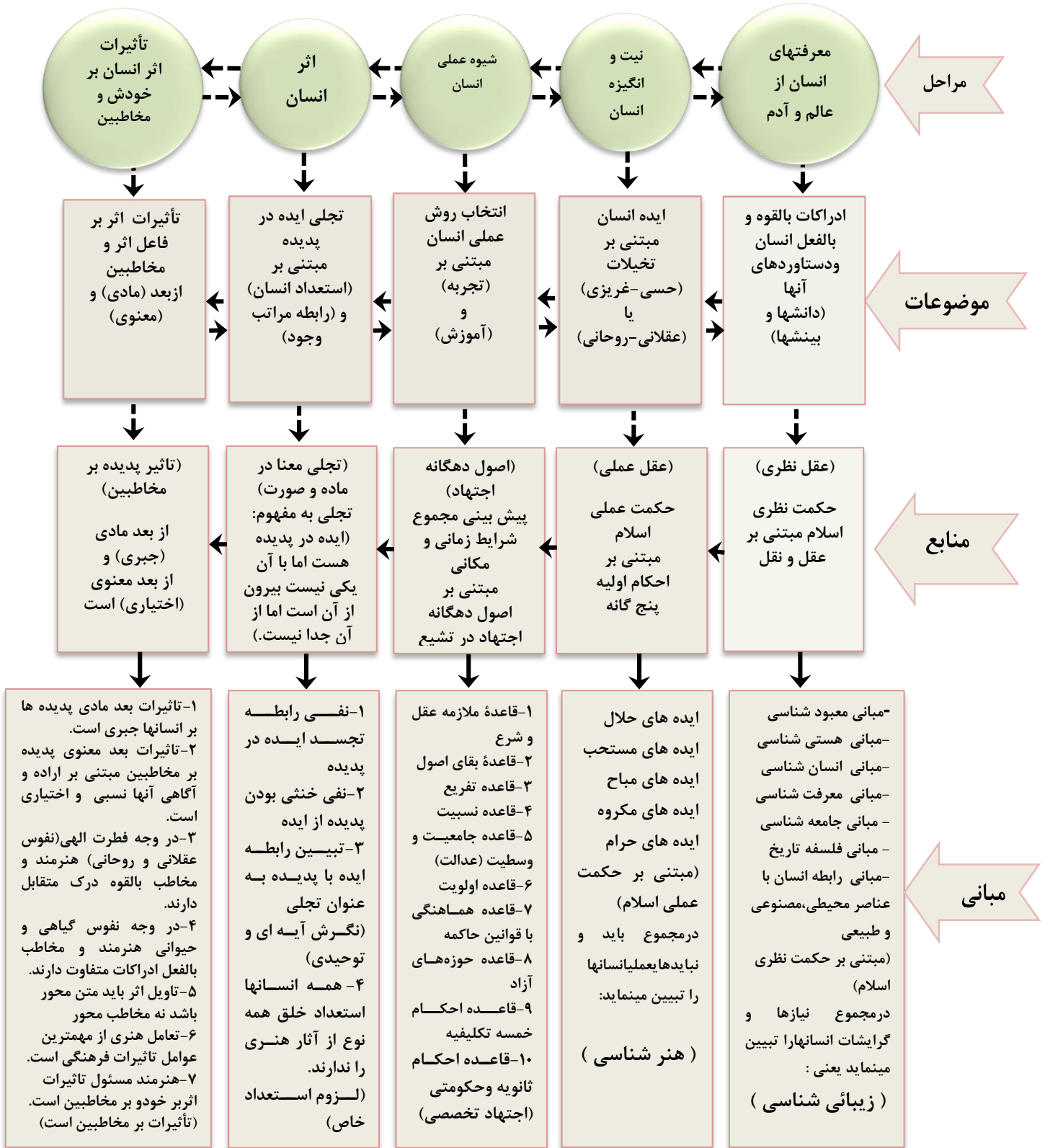
نکته بسیار مهم

آیا فرایندهای انسانی در یک نظام تصادفی، بدون جهت، هدف و غایتی خاص تحقق می‌یابند و یا فرایندهای انسانی در ذیل نظامی حکیمانه و عادلانه و با جهت و غایتی خاص تدبیر شده‌اند؟
از منظر اسلامی، جهان هستی و فرایندهای انسانی در ذیل (مشیت و قضا و قدر الهی) سامان یافته‌اند. این نظام در (نمودار شماره ۲) ارائه شده است.

نسبت اسلام با ساختار مراحل پنجگانه در فرایندهای انسانی

نمودار شماره ۵ - نسبت مکتب اسلام با ساختار و مراحل پنج گانه در فرایندهای انسانی

(از بعد مراحل و موضوعات، منابع و میانی مربوطه)



چنانچه در (نمودار شماره ۵) ملاحظه می شود. مکتب اسلام در حکمت نظری و با هستی شناسی جامع و مانع و خطا ناپذیر خود و با ارائه راهبرد های مفهومی، نسبت به مرحله اول از ساختار و مراحل خلق آثار هنری و مجموع دستاوردهای انسانی، بی تفاوت نیست، بلکه می تواند، ادراکات و معرفت های انسانها از عالم و آدم را ارزیابی و نقد نماید و حقیقی یا توهمی و ناقص بودن، دریافت ها و دانش و بینش های آنها را تشخیص دهد و تکمیل و اصلاح نماید.

اسلام به صورت مستقیم در مورد موضوعاتی نظیر (معبود شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی، فلسفه تاریخ، رابطه انسان با محیط طبیعی و مصنوعی و غیره) در حکمت نظری خود به صورت کامل مطالبی معصومانه، جامع و مانع و خطاناپذیر ارائه نموده است. این مطالب در دو منبع (کتاب الهی و سنت معصومین(س)) ما را قادر می سازد ضمن ارتقاء معرفت های خود، معرفت های دیگران را که منشأ و سر چشمه ایده ها، رفتار و آثار آنها است، مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم . مکتب اسلام با این پیش فرض مطرح می شود که مکاتب بشری نمی توانند استعداد های ذاتی و بالقوه انسانی و غایت وجودی او را به صورت جامع، مانع و خطا ناپذیر تعریف نمایند و مذاهب الهی نیز متأسفانه دچار نقص و تحریف شده اند و فقط مکتب الهی اسلام از طریق کلام الهی کاملاً محفوظ بوده و از طریق سنت معصومین یعنی (کلام، رفتار و آثار) آنها نیز کاملاً مورد وثوق باشد، معتبر و جامع و مانع و خطاناپذیر است. و با عبرت از آنها، ایده ها، رفتار و آثار خود را نیز ارتقاء بخشیم.

نسبت اسلام با مرحله اول در فرایندهای انسانی

آیا اسلام به عنوان یک مکتب و دین الهی، در مورد مباحث میان دانشی، نظیر خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی، مطالبی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطرح نموده است یا خیر؟

خداوند در قرآن حکیم می‌فرماید: «و بیاور روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان بر ایشان بر انگیزیمو تو را بر آن‌ها گواه آوریم و این کتاب (قرآن) را که روشنگر هر چیزی است (تبیان لکل شیء) و برای مسلمانان، هدایت و رحمت و بشارتگر است، بر تو نازل کردیم»^۷ چنانچه از آیه فوق ملاحظه میشود، خداوند کتاب قرآن را تبیین کننده هر چیزی معرفی می‌نماید، نه تنها در بُعد نظر و شناخت، بلکه مسلمانان یعنی عمل کنندگان به احکام عملی آنرا به هدایت و رحمت، بشارت میدهد و در کنار قرآن وجود پیامبر اکرم(ص) (سنت نبوی) را، گواه و شاهد برای سایر انبیاء و پیامبران و متقابلاً، آنها را گواه و شاهد برای امت‌های خودشان معرفی می‌نماید. یعنی:

۱- قرآن واجد دو بُعد بنیانی حکمت نظری یا (جهان بینی) و حکمت عملی یا (ایدئولوژی) و ارزش های اخلاقی میباشد.
۲- پیامبر اکرم(ص) به عنوان (مفسر معصوم) قرآن و نحوه عمل او به عنوان الگو و شاهد برای سایر انبیا و آنها شاهد و حجت بر امت‌های خود می‌باشند.

پیامبر اکرم(ص) نیز در آخرین وصیت، برای بعد از خود، به دو میراث عظیم و جاودانی و غیر قابل تفکیک برای رستگاری همه انسان‌ها توصیه و تأکید می‌نماید یعنی کتاب خدا و عترت معصوم خود؛ دوازدهمین امام معصوم (س) نیز در زمان غیبت، به (ولایت فقیه) در کنار قرآن توصیه نموده اند.^۹

اگر در آیه فوق، وجه هستی شناسی و جهان بینی قرآن، بیشتر برجسته شده است، در آیات بعدی به رعایت احکام عملی و ارزش های اخلاقی (حکمت عملی) به صورت مکرر، توصیه و تأکید شده است، نظیر امر به (عدالت) یعنی قرار دادن هر چیزی در جای مناسب و شایسته خودش، (احسان) یعنی حقوق دیگران را برحق خود مقدم و برتر داشتن، (ادای حق خویشان) مقدم داشتن کار ذوالحقوق بر دیگران، (نهی از کارهای ناپسند و طغیان) یعنی انجام ندادن کارهای بیهوده و ضد ارزشی، (وفاداری به عهد) انجام دقیق تعهدات کمی و کیفی در قراردادهای، و غیره.^{۱۰} حضرت علی (ع) نیز در بخشی از کتاب ارزشمند نهج البلاغه در جامعیت قرآن می‌فرماید: کتاب پروردگار شما در میان شماست، حلال و حرام آن آشکار، واجبات و مستحبات، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثل‌ها، مطلق و محدودها و محکمت و متشابهات آن، همه معلوم است.^{۱۱} امام صادق نیز می‌فرماید، لقاء اصول بعهد ماست (یعنی بعهد کلام الهی و سنت معصومین (س) و وظیفه شما

^۷ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ. «و آیه یاد آوراً روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم» (سوره: النحل، آیه: ۸۹)

^۸ قال رسول الله ص: إِيَّيْ تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي إِنْ مَسَكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِيَّيْ مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲) همانا من در میان شما دو گوهر گرانبها باقی گذاشته و شما را ترک میکنم یکی کتاب خدا و دیگر اهل بیت و عترتم را و اگر به آن دو توجه داشته و از آنها الگو بگیرید هرگز گمراه نمی‌شوید. ای گروه مردم همانا من بیم دهنده هستم و علی هدایتگر شماست و عاقبت رستگاری برای پرهیزگاران خواهد بود و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

^۹ مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِعًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلَدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ. «از میان فقهاء هر کس خویشتر دار و نگهبان دینش باشد و با هوای خود مخالفت نماید و فرمان مولایش اطاعت کند عموم مردم باید از او تقلید کنند، این دسته بعضی از فقهای شیعه هستند نه همه آنان.» (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة: ج ۲۷، ص ۱۳۱)

^{۱۰} إِنْ اللَّهُ بِأَمْرٍ كَمِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَبَيْهِ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد که پند گیرید. (سوره: نحل، آیه: ۹۰). وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنْ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ. و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوغندهای خود را پس از استوار کردن آنها مشکند با اینکه خدا را بر خود ضامن او گواه قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را

انجام می‌دهد می‌داند. (سوره: نحل، آیه: ۹۱)

^{۱۱} كِتَابٌ رُبِّكُمْ فِيكُمْ: مَبِينًا حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، وَفَرَائِضَهُ وَفَضَائِلَهُ، وَنَاسِخَهُ وَمَنْسُوخَهُ، وَرَحْمَهُ وَعَزَائِمَهُ، وَخَاصَّهُ وَعَامَّهُ، وَعِبْرَهُ وَأَمْثَالَهُ، وَمُرْسَلَهُ وَمَحْدُودَهُ، وَمَحْكَمَهُ وَمُتَشَابِهَهُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

اجتهاد جزئیات و فروع مادی و صوری است. آذر حدیثی منقول از پیامبر اکرم (ص) می فرماید: علم مفید سه نوع است: (آیه محکمه-فریضه عادلّه -سنت قائمه) که در اینجا می توان آیه محکمه را می توان به راهبرد های مفهومی و نظری و فریضه عادلّه را به احکام و راهکارهای عملی) و سنت قائمه را به (راه حل های اجتهادی) با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی دانست. بنا بر این انسانها باید این سه مرحله از فرایندهای خود را از مکتب الهی اسلام بگیرند تا مرحله چهارم با اجتهادی تخصصی می توانند مصداقی شایسته. مناسب در عالم مادی ایجاد نمایند.

حضرت آیت الله جوادی آملی، مفسّر و اسلام شناس برجسته معاصر نیز در درس های خود می فرمایند: «دین (مکتب اسلام) نسبت به هیچ یک از علوم کلی یا جزئی بی نظر و یا بی تفاوت نیست، بلکه نسبت به همه آنها، کلیات و اصولی را که منشأ تفریع یعنی (اجتهاد) فروع دیگر هستند، القاء می نماید». ایشان در تشریح و اثبات نظریه خود در رابطه علم و دین می فرمایند، دین شامل تمام علوم میشود و علم غیر دینی وجود ندارد و در تحقق آن به سه مرحله اشاره می نمایند:

۱) قرار دادن منبع (عقل) در مجموعه معرفت دینی (یعنی در کنار منبع نقل و سنت معصومین (س))

۲) تنفیذ و امضای قرارداد های عقلانی در شرع (یعنی پذیرفتن بنای عقلاء به عنوان علم ظنی و خطا پذیر، که تا نقض نشود اعتبار علمی دارد).

۳) تبیین کلیات بسیاری از علوم با دلیل نقلی. (یعنی اصول فرا زمانی و فرا مکانی آن توسط نقل است و در عمل با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی احتیاج به تفریع یعنی اجتهاد دارد.)

نظریات خود را با دو روش تحقیق (استدلال منطقی) و (تفسیری) به اثبات می رسانند. بُلّیهی است که از منظر اسلامی همه انسانها از بعد ذاتی و فطرت الهی خود به صورت باقوه یک نوع بیشتر نیستند و سیر تکوینی و جهت تکاملی همه آنها از خاک تا غایت وجودی آنها مشترک است، اما بالفعل با ارده و اختیار خود در درجه ای از این سیر قرار می گیرند. بنا بر این مکتب اسلام و اصول آن شامل همه انسانها و فرایندهای آنها می شود. نکته قابل توجه آن است که خداوند بهره برداری از مواهب طبیعی را که از طریق دستاوردهای علوم تجربی و استقراء عقلی حاصل می شود به عهده خود انسانها قرار داده است. و از منظر اسلامی به عنوان احتمالی و عرضی تا نقض نشوند معتبر باشند. در مورد تفسیر و تأویل نظری نیز می توان همین اعتبار را قائل شد یعنی برداشتها و تأویلات از آثار اگر مراحل عمی و منطقی خود را طی نماید، تا نقض نشود می تواند به عنوان برداشتی احتمالی مورد بهره برداری قرار گیرد.

در نمودار (شماره) نظریات آیت الله جوادی آملی در مورد نسبت اسلام با مجموع علوم نسان داده شده است. و در نمودار (شماره -) نسبت مکتب اسلام با هر یک از مراحل در فرایندهای انسانی را از بعد موضوعات، منابع و مبانی (اصول و قواعد حاکم) مطرح می نماییم.

^{۱۲}- امام صادق فرمودند: عَلَيْنَا إِلقاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ. «بر ماست ارائه اصول (راهبردهای نظری و عملی) و بر شماست اجتهاد فروع (خلق آثار مادی و صوری و غیره...)» (بحار الأنوار ج ۲، ۲۴۵)

^{۱۳}- فصلنامه اسراء، سال سوم - شماره دوم - صفحه ۳۱ (عبدل الحسین خسرو پناه)، در باره «علم دینی» آیت اله جوادی آملی
^{۱۴}- فصلنامه اسراء - سال سوم - شماره دوم - صفحه ۱۰۱ مقاله آقای دکتر عبدالحسین خسرو پناه درباره نظریه آیت الله جوادی آملی.

نسبت اسلام با مرحله دوم از فرایندهای انسانی

مکتب اسلام در حکمت عملی خود از آنجا که انسانها را موجودی آزاد و مختار بین دو فرمانده درونی، یعنی نفس حیوانی (اماره) که به زشتی متمایل است و نفس عقلانی و روحانی (لوامه) که به خیر و نیکی میل دارد، می شناسد و برای او مبتنی بر اراده و عمل خودش سیر تکاملی قائل است بنا بر این با ارائه احکام پنجگانه (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام) یعنی مجموع بایدها و نبایدها و ارزشهای اخلاقی، به صورت کلی و مشترک برای کلیه فرایندهای انسانی و به صورت خاص برای هر یک از تخصصها، نظیر معماری و شهرسازی باید و نبایدهائی را ارائه نموده است. این احکام در بعد مثبت آن همان یکصد صفت حسنی است که برای صفات ذاتی و فعلی خداوند در قرآن مطرح شده است نظیر (علیم، حکیم، مفید، قوی، بدیع و غیره) و انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین باید واجد همین صفات در نظریات و اعمال خود باشد و در بعد منفی احکامی نظیر حرام بودن عمل بدون علم، هر نوع کار پوچ و غیر مفید (یعنی لغوی، لعبی و لهوی)، انجام کار برای شهرت طلبی، اعجاب انگیزی و فخر فروشی، ایجاد هر نوع ضرر و زیان به غیر و ایجاد مزاحمت‌های همجواری، پیروی از هوای نفس، دنیا پرستی، ظاهر سازی و بت سازی را اصالت دادن مستقل به کالبد بنا که از آن به عنوان (فورمالیسم) یاد می نمائیم و یا به هوای پرستی های هنرمندان و معماران که از آن به (خود بنیادی) آنها یاد می نمائیم نظیر (کم کاری و کم فروشی، تقلب و کلاه برداری، اسراف و تبذیر) و بسیاری از نبایدهایی که هنوز برای تخصصهای خاص، جمع آوری و طبقه بندی دقیق نشده است. از این احکام با نام قوانین عملی و یا (فقه حکومتی) یاد می کنیم، به عنوان مقدمه ای برای (اجتهاد حرفه ای).

بنابر این مکتب اسلام، نسبت به مرحله دوم از نمودار فوق نیز، بی تفاوت نیست و می تواند رویکرد های عملی و جهت گیری های تخیلی و ایده آلهای هنرمندان را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. احکام عملی و باید و نبایدهای اخلاقی ارائه شده در مکتب اسلام، مجموعه ای بی نظیر از اصولی ثابت و فرا زمانی و فرامکانی را برای سیر و سلوک عملی و تکاملی همه انسانها، مطرح نموده است^{۱۵} و با ذکر مصادیقی از اعمال، رفتار و آثار معصومین (س) در شرایط بسیار متکثر و متنوع، روشهای عملی و اجتهادی آنها را تشریح نموده است. این مجموعه باید و نبایدهای عملی را (احکام اولیه) می نامیم.

^{۱۵}- فَقَالَ حَلَّالٌ مُّحَمَّدٌ حَلَّالٌ اَبَدًا اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ اَبَدًا اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرَهُ وَ لَا يَجِيءُ غَيْرَهُ. (الكافي: ج ۱، ص: ۵۸).

نسبت اسلام با مرحله سوم از فرایندهای انسانی

نکته بسیار مهم مسئله اتخاذ روشها و شیوه های عملی و مناسب در جهت، تجلی ایده ها و ایده آل های فرا زمانی و فرا مکانی هنرمندان، در عالم طبیعت و جلوه های مادی و صوری آن است. زیرا عالم طبیعت بر خلاف مفاهیم کهکلی و بسیط می باشند، دارای شرایطی نسبی، متکثر، متغیر و اعتباری، یعنی وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی می باشند.

مکتب اسلام با پذیرش و توصیه به اجتهاد و تبیین اصول چندگانه آن در مکتب تشیع، هلمه انسان ها و هنرمندان را قادر می سازد تا ایده آل ها و مفاهیم ذهنی خود را، با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی و به صورت آیه ای و نسبی در عالم طبیعت تجلی دهند. از این بُعد می توان گفت مکتب اسلام، با حفظ جهت، غایت و سیر تکاملی انسان، برای مجموع شرایط متنوع، متکثر، متغیر، اعتباری و نسبی زمانی و مکانی، راه حل ارائه نموده است، حتی برای شرایط موقتی و اضطراری نیز به صورت محدود و موقتی، کنار گذاشتن احکام ثابت را پیشبینی نموده است. مانند حکم اضطراری خوردن گوشت مردار، در شرایطی که جان انسان در خطر باشد، به مقدار حداقل لازم تا رفع شرایط اضطراری نظیر اسکان های موقت بدون در نظر گرفتن استانداردها و سرانه ها در شرایط معمولی یا در شرایط متعارض حق سواره و پیاده، حق را به پیاده دادن و یا در حق معارض چشم انداز مناسب برای خانه و ایجاد مزاحمت همجواری برای همسایه، حق را به همسایه دادن و نظیر آنها. در (نمودار شماره ۶-) این اصول چند گانه، در ده محور به صورت اجمالی توضیح داده شده است.

^{۱۶}- با بهره برداری از نظریه شهید مطهری، مجموعه آثار، ، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، ص ۱۶۱.

اصول دهگانه اجتهاد تخصصی، برای اتخاذ راه حل های عملی و اجرایی در خلق آثار

نمودار شماره ۶ - اصول ده گانه اجتهادهای تخصصی در مکتب تشیع^{۱۷}

(اصول اجتهاد حرفه ای مبتنی بر مفاهیم ثابت نظری و احکام اولیه عملی برای اتخاذ روشهای مناسب مبتنی بر تجلی ایده آلهای انسان در ماده و صورت هایی که وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی هستند و خلق آثار بدیع و اصیل)

۱- قاعده ملازمه عقل و شرع	ابزار اجتهاد، عقل است و احکام عقلی تا هنگامی که نقض نشوند همان احکام شرعی است. و رعایت دستاوردهای آنها الزامی است. بنا بر این رعایت مجموع دستاوردهای علوم تجربی نظیر استانداردها در معماری و سرانه ها در شهرسازی الزامی است. (علوم عقلی فقط مختص مسلمانان نیست)
۲- قاعده بقای اصول	اصول نظری و عملی بیان شده توسط سنت نبوی برخاسته از فطرت، و بی زمان هستند. یعنی (حکمت نظری و احکام پنجگانه حلال و حرام در حکمت عملی)
۳- قاعده تفریح (جزئیات مادی و صوری)	فروع و جزئیات یعنی (روش ها و جزئیات در خلق آثار)، در پرتو (اصول ثابت)، با (تفریح عقلی) قابل استنتاج و اجتهاد تخصصی و حرفه ای هستند. (اجتهاد تخصصی، یعنی انتخاب ماده و صورت های مناسب کالبدی و ظاهری برای ایده آلهای هنرمندان، با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی.
۴- قاعده نسبیّت	فروع (روش ها و آثار) بر اساس مقتضیات زمان و مکان، کاملاً نسبی هستند. (آثار عناصری متکثر، متغیر و نسبی هستند و نباید آنها را مطلق نمود)
۵- قاعده جامعیت و وسطیت (عدالت)	فروع و روش ها و شیوه های عملی، یا آثار انسان باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی (و مجموع شرایط زمانی و مکانی) را در نظر بگیرند، زیرا اجزاء و عناصر آن متکثر، نسبی و تأثیر پذیرند. (در خلق آثار باید جمیع متغیر های آنها را در نظر گرفت و بر حسب اولویت ها به تعادل رساند)
۶- قاعده احکام خمسه تکلیفیه	فروع باید در اجراء، بر اساس احکام خمسه، تعیین اولویت و ضرورت عملی و اجرایی کنند. (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام)، احکام پنجگانه اسلامی، راهنمای همه انسانها در افکار، رفتار و آثار آنهاست در همه زمانها باید باشد.
۷- قاعده رعایت اولویت ها	فروع باید با توجه کامل به اولویت ها و مصلحت ها شکل بگیرند. (در شرایطی که حقوق عناصر مختلف متضاد می باشند) در خلق آثار عناصر و اجزاء بسیاری تأثیر گزارند، باید بر حسب اولویت، آنها را به صورت نسبی مورد نظر قرار داد. فروع نباید معارض یا قوانین حاکمه و اصولی که حق وتو دارند باشند. (نظیر اصل لاضرر و لاضرار در اسلام). هر نوع ضرر و زیان به غیر، حرام تلقی می شود. (اصول و حقوقی در اسلام، حاکم و مهمتر از اصول و سایر حقوق است، باید آنها را رعایت نمود.
۸- قاعده حوزه های آزاد	فروع نباید حوزه هایی را که خداوند انسان ها را آزاد گذاشته محدود کنند. (احکام مباح)، بخشی از احکام حوزه آزاد برای انتخاب انسانهاست که باید رعایت نمود.
۹- قاعده احکام ثانویه (احکام حکومتی)	فروع (روش ها و جزئیات آثار) و حتی اصول اولیه می توانند با نظر و اختیار ولی فقیه به طور موقت تغییر نمایند. (با توجه به مجموع شرایط ا و به صورت مصلحتی)، حاکم شرع (ولی فقیه) مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی و مصلحت ها، می تواند احکام اولیه را برای مدت محدودی نقض و احکام ثانویه و حکومتی را اعلام نماید که لازم الاجراست.
۱۰- قاعده احکام اضطراری	در شرایط اضطراری که حق بزرگتری مورد تهدید است، از حق کوچک تر به صورت موقتی و محدود صرف نظر می نماییم، نظیر خوردن غذای حرام یا مکروه، هنگامی که جان انسان در صورت نخوردن آن غذا منجر به مرگ شود، تحت عنوان (اکل میت) در احکام اسلامی. و یا رعایت نکردن برخی از استانداردها در شرایط اسکان اضطراری

^{۱۷}- با بهره برداری از نظریه شهید مطهری، مجموعه آثار، ، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، ص ۱۶۱.

تبیین و تشریح اصول دهگانه فوق و ظرفیت های آن در کمک به معماران و شهرسازان در جهت اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های عملی در فرصت این مقاله نیست و مقالات مستقل و متعددی می‌طلبند. اما بطور اجمال می‌توان گفت:

در **اصل اول** (ملازمه عقل و شرع) تمام دستاورد های علمی جهان از جمله علوم تجربی و مهندسی نظیر (استاندارد ها در معماری) و (سرانه های فضاهای شهری) در شهرسازی و غیره تا نقض نگردیده است باید مورد بهره برداری متخصصین قرار گیرد و رعایت آنها را شرعاً لازم می‌داند.

در **اصل دوم** (بقاء اصول) به خطا ناپذیر بودن و جامع و مانع بودن هستی شناسی اسلامی و راهبردهای مفهومی آن اشاره دارد و فرا زمانی و فرا مکانی بودن باید‌ها و نباید‌ها و احکام عملی اسلامی و رعایت ارزش های اخلاقی آن را در جهت تأمین نسبی و عادلانه نیازهای مادی و بسترسازی سیر تکاملی انسانها تأکید و توصیه می‌نماید. یعنی هم آهنگی عالم تشریح با عالم تکوین.

در **اصل سوم** (تفریح) راه حل اجتهاد پویا و تخصصی برای تجلی ایده‌ها و ایده آل های مفهومی راه، در مجموع شرایط زمانی و مکانی که متکثر، متنوع و متغیر هستند ارائه می‌نماید و نقش انسان آگاه، مختار و خلاق را در این فرآیند به صورت برجسته و شاخص نمایان می‌کند. مبتنی بر این اصل هنرمند می‌تواند با حفظ اصول ثابت، ایده های خود را به صورت خلاقانه در عالم طبیعت به صورت کالبدهای مادی و صورتی متجلی سازد.

اصل چهارم (نسبیت) به ما یادآوری می‌نماید، که آنچه درعالم طبیعت حادث می‌شود، بر خلاف مباحث هستی شناسی (جهان بینی‌ها) و احکام عملی (ایدئولوژی‌ها) که دارای اصولی کلی و ثابت هستند، آثاری، دارای ماده و صورتی طبیعی هستند بنابراین با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی می‌توانند به صورت نسبی و اعتباری در عالم طبیعت و در مواد و صورت‌های بسیارمتنوع و خلاقانه عالم طبیعت تجلی یابند.

در **اصل پنجم** (جامعیت و وسطیت) به ما متذکرمی‌شود، که عالم طبیعت بسیار متنوع و متکثر بوده و همه اجزاء و عناصر آن در تحت تأثیر یکدیگرند و برای انجام عملی و ایجاد اثری باید، همه عوامل و عناصر مثبت و منفی تأثیر گذار را به صورت جامع شناخت و حدّ متعادل و مناسبی را برای پایداری آن پیش بینی نمود و ساماندهی نمود.

حضرت امام صادق (ع) در پاسخ فردی که از اصل حاکم بر خلقت جهان هستی، از ایشان سؤال نمود، از قول پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "این جهان بر اساس عدالت برقرار و پایدار شده است" و حضرت علی (ع) در تشریح مفهوم عدالت می‌فرماید: (قرار دادن هر چیز در جای مناسب و شایسته آن).^{۱۹}

در **اصل ششم** اسلام باید و نباید های عملی یعنی احکام اسلامی راه، که متضمن سیر تکاملی انسانها است در پنج نوع طبقه بندی می‌نماید. احکام (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام) که هر کدام در حکمت عملی اسلامی و منابع (کلام الهی و سنت معصومین) و اجماع (حکما و خبرگان) به صورت (مباحث اخلاقی) و (احکام عملی) مطرح شده است. این مباحث به صورت موضوعی نیز برای (اصناف مختلف) و اعمال (فردی و اجتماعی) انسانها تبیین و تشریح شده است.

در **اصل هفتم** (اولویت) از آنجا که ایجاد هر اثری در طبیعت تحت تأثیر و تأثر مجموعه ای از عناصر آن طبیعی و انسانی قرار می‌گیرد و گاهی این عناصر دارای حقوقی متضاد و متعارض می‌باشند در شرایط فوق باید آنچه را که در اولویت قرار دارند، حاکم نمود فرضاً در مباحث همجواری در معماری، رعایت حقوق همسایه‌ها در اولویت است. یا حقوق پیاده بر سواره در الویت است. رعایت این احکام در روش‌ها و شیوه های عملی الزامی است.

حضرت فاطمه (س) در پاسخ فرزندشان که سؤال می‌نماید، چرا همیشه اول برای همسایگان دعا می‌فرمایید؟ می‌گویند: (اول همسایه، سپس خانه) و یا در شهر سازی در تعارض حقوق پیاده با سواره، در اسلام به رعایت حال ضعیف و (پیاده) در مقابل

^{۱۸} - پیامبر صلی الله علیه و آله: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ». آسمان‌ها و زمین، با عدالت، پا برجا می‌مانند. (عوالی اللّٰه، ج ۴، ص ۱۰۳).

^{۱۹} - حضرت علی (ع): «العدل وضع كل شيء موضعه». یعنی عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. (فیض الاسلام، سیدعلینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۵، حکمت ۳۰، ص ۱۱۰۰).

^{۲۰} - حضرت فاطمه (س): «الجار ثم الدار». اول همسایه، سپس خانه. (مستدرک الوسائل ج: ۵، ص: ۲۴۴).

قوی (ماشین) تأکید و توصیه می‌نمایند. بنابراین در رعایت حقوق‌های متکثری که بر عمل و آثار انسان مترتب می‌شود، باید اولویت‌ها و جهت‌ها و غایتها و ایده‌آلهای جمعی معنوی و تکاملی را اولویت بخشید.

بنابر این بعضی از قوانین در اسلام، نسبت به سایر قوانین اولویت و حاکمیت دارند، نظیر اصل عدم ظلم و ضرر به دیگران.^{۲۱} در **اصل هشتم** (حوزه‌های آزاد) همان‌گونه که در احکام پنجگانه، برای انسان کارها و خواسته‌هایی آزاد (مباح) دانسته شده است، بنابراین در این موارد نباید آزادی انسان‌ها، به خصوص درحوزه مسائل فردی و خانوادگی خدشه دار شود، ضمناً موارد مستحب و مکروه نیز، نباید مورد اجبار قرار گیرند.

در **اصل نهم** (احکام ثانویه و حکومتی)، حکومت اسلامی یعنی ولی فقیه در زمان غیبت ظاهری معصومی تواند در شرایط خاص و ضروری، احکام اولیه‌ای را که در آن شرایط خاص به مصلحت جامعه نیست تغییر داده و حکمی را بطور موقت و از روی مصلحت ابلاغ نماید. بطور مثال زمینی را که برای مسجد وقف شده و صیغه آن جاری شده، نمی‌توان به کاربری دیگری تبدیل نمود. ولی می‌توان با حکم حاکم شرع (ولایت فقیه)، زمین دیگری را برای مسجد در نظر گرفت و زمین مسجد را مثلاً برای اجرای بزرگراهی که مصلحت عمومی بوده و اجرای آن اجتناب‌ناپذیر است، قرار داد.

در **اصل دهم** یا (احکام اضطراری)، ممکن است در شرایطی غیر عادی و اضطراری، نتوان احکام اولیه را اعمال نمود و در صورت اعمال آن حق بزرگتری ضایع شود، در این صورت می‌توان از احکام اضطراری، که احکامی موقتی و فقط در شرایط اضطرار و در حد ضروری و محدود می‌باشند بهره برداری نمود. نظیر خوردن گوشت مردار، برای کسی که در صورت نخوردن آن گوشت در خطر مرگ باشد. چون جان انسان عزیزترین عنصر هستی است، بنابراین برای حفظ آن، حکم اولیه یعنی (ممنوع بودن در خوردن گوشت مردار) برای مدت محدود به حکم اضطراری یعنی (مجاز خوردن گوشت مردار) برای زمان و مقدار محدود داده می‌شود، یا در اسکان موقت می‌توان برخی از استانداردها و سرانه‌های قانونی را نادیده گرفت.

چنانچه ملاحظه می‌شود، به کمک اصول دهگانه اجتهاد، انسان‌ها می‌توانند ضمن حفظ اصول ثابت و فرا زمانی و فرا مکانی خود، چه در بُعد نظری و چه در بُعد عملی، اعمال و آثار خود را با مجموع شرایط زمانی و مکانی وفق دهند و هیچگاه دچار بن بست و تردید و یأس نخواهند شد و نیز هرگز به صورت یک امر متعارف نیازی به ساختار شکنی اصول نظری و یا احکام عملی نخواهند داشت و همواره می‌توانند در هر شرایط پیچیده و نامتعیّن، راه را از چاه تشخیص داده و به صورت نسبی پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها در اعمال و آثار خود باشند. و (ایده آلیسم را با رئالیسم) و (حقیقت را با واقعیت) در کارهای خود رعایت نمایند. عدم توجه به این اصول هنرمندان را یا در ایده آلیسم نظری و مفهومی غرق می‌کند و یا به دلیل رعایت مقتضیات زمان و خلاقیت و نوآوری، ارزش‌ها و اصالت‌ها را در آثار خود نابود و به اصطلاح (ساختار شکنی) می‌نمایند. در نمودار (شماره ۱) راه حل رعایت مقتضیات متکثر زمانی و مکانی را در سبک‌های هنری و معماری با توجه به جهت و غایت مشترک و تکاملی انسان‌ها (هنرمندان و مخاطبین) با مثالی تصویری ارائه می‌نماییم.

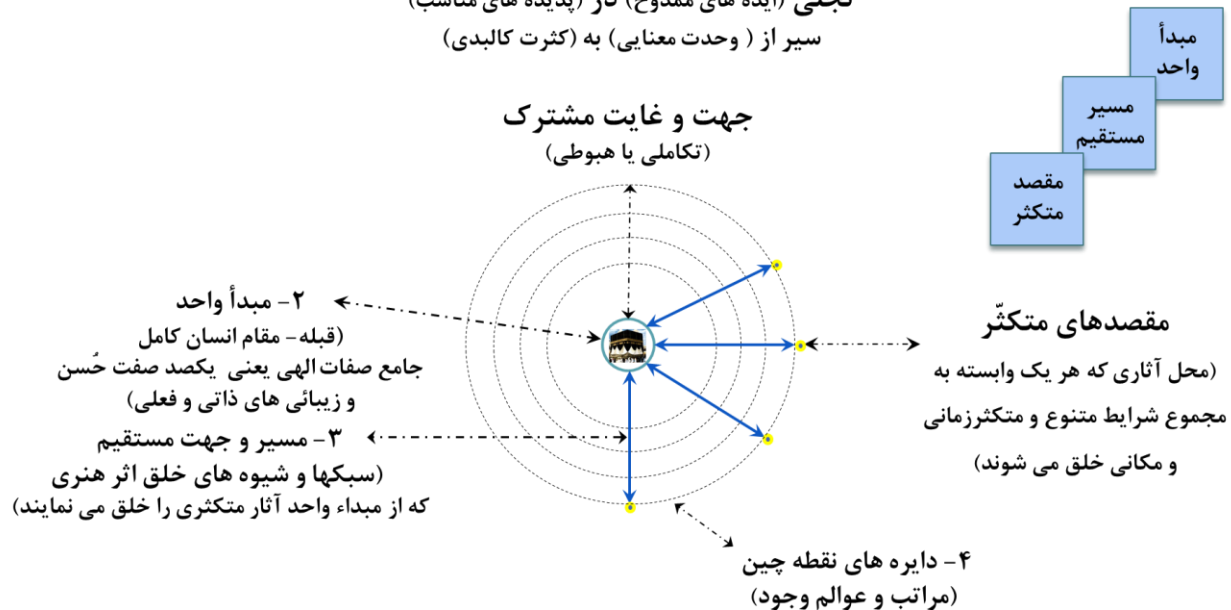
^{۲۱}-از مجموعه بحث حضرت امام خمینی (ره) پیرامون قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام، یعنی در مضیقه قرار دادن، سخت گرفتن و عرصه را بر دیگران تنگ کردن در اسلام ممنوع است.

تجلی ایده آل های فطری و فرا زمانی و مکانی هنرمندان (صفات الهی) در خلق آثار مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی

نمودار (شماره ۷) شیوه ها و سبک های هنری که می توانند موقعیت های مشترک و فطری هنرمندان را با حفظ جهت و غایت های تکاملی آنها، آثاری اصیل و در عین حال متنوع و خلاقانه و وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی ایجاد نمایند. (مفهوم سیر از وحدت به کثرت یا از معنا به صورت یا تجلی ایده در پدیده و بالعکس)

نمودار شماره ۷- روش و سبک اسلامی، در خلق فرایندهای انسانی:

تجلی (ایده های ممدوح) در (پدیده های مناسب)
سیر از (وحدت معنایی) به (کثرت کالبدی)



(خطوط نقطه چین مبین سبک های است که ناقد محتوای مشترک الهی تکاملی و فطری هستند و نوعی بت سازی تلقی می شوند.)

با پیش فرض انسان شناسی اسلامی، در نمودار فوق، خانه کعبه که قبله مسلمین جهان است و محل پذیرش توبه حضرت آدم (ع) و محل تولد انسان کامل حضرت علی (ع) بوده است، به مفهوم مقام قرب الهی، یعنی کسب یکصد صفت حسن الهی (صفات ذاتی در نظر و معرفت شناسی و صفات فعلی روش های عملی و اتخاذ سبک هنری) توسط هنرمند و تجلی آنها در اثر هنری می باشد و همه مسلمانان جهان، در هر نقطه زمانی و مکانی که هستند، باید به سمت آن مقام و صفات تقرب جویند و در نمازهای خود به سوی آن سجده نمایند. یعنی به عنوان جانشین خداوند در زمین، باید همان معرفت ها و مفاهیم را کسب نموده و در شیوه عملی خود، نظیر صفات فعلی خداوند عمل نمایند.

جامع ترین و مانع ترین توصیفی که از گرایشهای ذاتی انسان به سوی زیبایی مطلق و معبود یکتا شده است، در قرآن مجید با ارائه یکصد صفت حسن یعنی (عددکامل) از صفات ذاتی و صفات فعلی خداوند است. گز برخی برداشت های دیگر از قرآن، احادیث، اسما صفاتی و فعلی خداوند و ترکیبات آنها به تعداد بیشتری مطرح شده است. در هیچ مکتب زیبایی شناسی، اعم از فلسفی یا دینی، خداوند متعال یعنی (مفهوم زیبایی مطلق) با این تعداد از صفات مفهومی که مبنای مجموع راهبردها (صفات ذاتی) و راه کارهای عملی (صفات فعلی) است، معرفی و تبیین نشده است. ضمن آنکه بر خلاف فرهنگ

۲۲- در برخی برداشت های دیگر از قرآن و احادیث، اسما و صفات، ذاتی و فعلی خداوند به تعداد بیشتری مطرح شده است.

های غربی و شرقی در افراد و عناصر کالبدی و نمادهای مادی محدود نشده است. بنابر این مقام قبله، یعنی نهایت ایده آلهای و آرمانهای خود آگاه و ناخود آگاه، همه انسانها برای ادراک همه زیباییها و خلق عالیتترین آثار شایسته به عنوان جانشین خداوند در زمین، آنچنان که احسن الخالقین در هنر و معماری آفرینش، خلق نموده است. پس هنرمندان و معماران ابتدا باید خود را چچه از بعد علمی و معرفتی (حکمت نظری) و چه از بعد نیت و انگیزه های درونی (حکمت عملی) به بالاترین درجات قرب الی الهی و انسان کامل برسانند یعنی خود آگاهی نظری و عملی را در خود بیابند تا شایستگی خلق اثر را داشته باشند. در مرحله بعد خلق مصادیقی را به آنها پیشنهاد می نمایند و یا انتخاب می نمایند، این مصادیق نظیر طراحی یک خانه، از آنجا که کالبد آن وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی خود می باشد و در عالم طبیعت باید ایجاد شود. و شرایط زمانی و مکانی برای عناصر این عالم مشابه و تکراری نیست، بنا بر این کالبد مصادیق خلق شده می تواند بسیار متنوع و متکثر و خلاقانه باشد.

نکته مهم جهت و غایت این خلاقیت است که سبک هنری اسلامی را از سبک های دیگر متمایز و شاخص می نماید. در این سبک اصول و محتوای مصادیق، مشابه و مشترک است، فقط کالبد آنها (ماده و صورت های مصادیق) مبتنی بر شرایط محیطی، تنوع پذیر است. در مورد مکان خانه، اصل فراخی (خانه محل آرامش است)، همه خانه ما باید محل آرامش باشد، امام کالبدی که می تواند آرامش لازم را ایجاد کند وابسته به مجموع شرایط محیطی آن خانه می تواند متنوع و متکثر باشد. در صورتی که سبک هایی که فاقد اصول ثابت مفهومی یا روشنی هستند، نظیر ساختار شکنان یا کثرت گرایان و نسبی گرایان) در حوزه زیبایی شناسی و فلسفه هنر، فاقد مفاهیم (زیبایی شناسی فطری و نوعی) و فاقد اصول ثابت در (فلسفه هنر) می باشند و تکثر و تنوع مصادیق آنها فاقد محتوای انسانی و تکاملی است. مهم ترین وجه مشترک حکمت اسلامی در فلسفه هنر و معماری به عنوان یک سبک سیر از (معنا به صورت، وحدت در کثرت، باطن در ظاهر و ایده در پدیده) است.

چنانچه در نمودار فوق هم ملاحظه می شود، از هر نقطه ای که مصادیق در آنها خلق می شوند میلیاردها خط و جهت عبور میکند ولی تنها یک خط به صورت مستقیم به قبله میرسد، بنابراین سبکها و شیوه های هنری از بُعد مادی و کالبدی وابسته به مجموع واقعیت ها و شرایط زمانی و مکانی هنرمند و مخاطبین او هستند و از بُعد معنوی و محتوایی باید دارای جهت و غایت مشترکی، که همان نیاز فطری و باطنی همه انسانها است، تجلی نمایند.

شعار بنیادی اسلام (**انالله و انا الیه راجعون**) یعنی همه از اوئیم و بسوی او باز می گردیم، به همین مفهوم توحیدی، عملی و سیر و سلوکی اشاره می نماید. شرایط متکثر زمانی و مکانی نظیر، امکانات اقتصادی و امکانات اجرائی و غیره، نظیر مسافری است، که با توجه به شرایط و امکانات خود وسائل سفر و مسیر آنرا برای رسیدن به هدف واحد انتخاب می نماید. بنابراین می توان گفت هنرمندان و معماران می توانند با حفظ ایده آلهای و ارزشهای ثابت نظری و عملی، با توجه به مجموع شرایط خود و مخاطبین، راه حل ها و روش های اجرایی و اجتهادی سبکهای متنوعی داشته باشند، اما نه هر راهی و هر سبکی، زیرا فقط یک جهت و یک رویکرد کلی، آنها را به مقصد قبله یعنی (زیبایی جامع و کامل) می رساند. به نظر می رسد، آنجا که قرآن مجید به راه راست یعنی (صراط مستقیم) اشاره می نماید، همین یک جهت از بُعد (مقصد) آئمی باشد و آنجا که به راهها یعنی (سبُل) اشاره می نماید، منظور به مبداهای متکثر و شرایط زمانی و مکانی متفاوت انسانها است. که از طریق اصول دهگانه اجتهادی، هنرمند را به راه حل های تخصصی و مصادیقی می رساند.

برای مثال می توان به نحوه نماز خواندن مسلمانان در سراسر جهان اشاره نمود یعنی مبدأ و واقعیت های مکانی و زمانی آنها یعنی (جهت قبله و زمان نماز) آنها متکثر و متنوع است ولی همه آنها بسوی قبله واحد نماز می خوانند و هدف و غایت نهایی آنها یکی است. در مورد سبک ها و روش های هنری نیز می توان به سفر حج اشاره نمود یعنی از نقاط متنوع، متکثر از طریق راه های مختلف نظیر (هوایی، دریایی و یا زمینی) می توان به مکه سفر نمود. اما جهت و غایت این مسرها باید یکی باشد. در مجموع می توان گفت (سلیقه) افراد و (مدهای روز) تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی، متنوع، متغیر و تربیت پذیر است، اما هنرمندان و معماران باید سلیقه های فردی و مدهای روز را به سمت صفات (ذاتی و فعلی) خداوند ارتقاء و تکامل بخشند. یعنی زیبایی نسبی و اعتباری را به روی زیبایی شناسی فطری و وجودی که پایدار و انسانی است، بسترسازی و هدایت نمایند.

نسبت اسلام با مرحله چهارم از فرایندهای انسانی (اثر هنری خلق شده)

در این مرحله چند رابطه با اثر خلق شده مطرح می باشد که به صورت تطبیقی دیدگاه اسلامی را با سایر دیدگاه های مطرح و معاصر، تبیین و ارزیابی می نماییم. روابط مزبور عبارتند از رابطه هنرمند با اثر هنری، رابطه مخاطبین با اثر هنری و رابطه مخاطبین با هنرمند که در نمودار شماره ۸ به اجمال مطرح شده است.

آنچنانچه در نمودار شماره ۸ ملاحظه می شود سه رابطه مهم در اثر هنری خلق شده قابل تفکیک و تبیین است که به صورت تطبیقی از منظر اسلامی مورد ارزیابی قرار می دهیم.

هنرمندان و معماران می توانند ایده آلهای خود را که منبعث از مراحل یک و دو می باشد، از طریق یک شیوه و سبک هنری با رویکرد تجلی معنا در ماده و صورت های کالبدی یعنی سیر از وحدت مفهومی ایده ها و ایده آل ها به خلق کثیری از اجزاء و عناصر مادی و کالبدی ف مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی و راه حل هایی که از طریق اصول دهگانه در اجتهاد تخصصی مطرح شده، استنتاج و اجتهاد نمودن و مصادیقی مطلوب، شایسته و بدیعی را در عالم طبیعت خلق نمایند. از منظر اسلامی، این رابطه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه تحقق می یابد، مسأله اصلی محتوای مثبت و منفی ایده ها و ایده آل های هنرمندان است که در نهایت اثری (ممودح و شایسته) و یا (مذموم و ناشایسته) را خلق می نماید. در موضوع رابطه ایده پدیدده، یا معنا با صورت، دیدگاه های بسیار متفاوت و متضادی وجود دارد، که در یک جمع بندی اجمالی و تطبیقی در مقایسه با دیدگاه اسلامی آنرا در سه رویکرد خلاصه می نماییم. (نمودار شماره ۸)

نمودار شماره ۸- بررسی تطبیقی در رابطه، ایده های مفهومی هنرمندان با پدیده های کالبدی آنها (رابطه معنا با صورت) :

رویکردها	محتوای رویکرد	سبکهای متأثر
۱- رویکرد تجسد معنا در صورت (تجسد ایده در پدیده)	محتوا و ایده های هنرمندان فقط در یک نماد و یک نوع کالبد میتوانند تجسد و تعیین داشته باشند. بنابراین برای حفظ مفاهیم و ارزشهای ثابت و پایدار باید الگوها و نمادهای سنتی و تاریخی را تقلید و تکرار نمود.	سنت گرایان تاریخی - توصیفی (رویکرد باستانشناسانه و تقلید از آثار تاریخی)
۲- رویکرد خنثی بودن اثر هنری (عدم رابطه بین ایده و پدیده)	مفاهیم و ایده های هنرمندان، هیچ رابطه ای با آثار هنری آنها ندارند، اثر و متن هنری خنثی است و هنرمندان فقط ذهنیات شخصی خود را باز خوانی نموده اند و مخاطبین هم ذهنیات خود را باز خوانی می نمایند... بنابر این با توجه به خنثی بودن اثر هنری، و بی معنا و مفهوم بودن آن هیچگونه رابطه و تعامل فکری و فرهنگی بین هنرمند و مخاطبین نمی تواند برقرار شود.	دیدگاه مرگ مؤلف و هنرمونیتیک معاصر (ساختار شکنان نظری، روشی و کالبدی از مفاهیم، روش ها و آثار موجود (معتقدین به تفسیر و تأویل مخاطب محور، یا گفتمانی و مشارکتی، پذیرش قرائت های مختلف از اثر بدون هر نوع داور)
۳- رویکرد تجلی معنا در صورت (مفهوم تجلی ایده در پدیده)	ایده ها و ایده آل های هنرمندان، به صورت خودآگاه و ناخود آگاه و نسبی میتوانند در بی نهایت کالبد های جدید متنوع تجلی نمایند. بنابراین هنرمندان و معماران می توانند با حفظ مفاهیم ثابت و حقیقی نظری و احکام فرا زمانی و فرامکانی عملی، با اجتهادی هنرمندانه، مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی میلیاردها کالبد متنوع، مناسب و شایسته خلق نمایند. بدین لحاظ رابطه بین هنرمندان و مخاطبین از طریق اثر هنری واجد مؤثرترین تأثیرات فکری و فرهنگی می تواند باشد. مسأله اصلی محتوای (مثبت و منفی) ایده ها و ایده آل ها است.	دیدگاه اسلامی، اصول گرا در ابعاد نظری و عملی) و اجتهاد گرا (در راه حل های مصادیقی) معتقدین به تجلی نسبی مفاهیم در مواد و صورت های متنوع. معتقدین به اجتهاد مبتنی بر تجلی اصول ثابت (نظری و عملی) در آثار مبتنی بر مجموع شرایط محیطی متکثر و متنوع، از طریق اصول ده گانه اجتهاد. معتقدین به تفسیر و تأویل (متن محور) (آفرینش انسان با فطرت ثابت ولی با صورت ها و کالبد های متکثر)

چنانچه در نمودار شماره ۸- ملاحظه مینمائید، رویکردهای (تجسدگرایی) و (خنثیبودناتر) نسبتی با فرهنگ اسلامی و فلسفه هنر آن ندارند و از بُعد نظری و از بُعد عملی و تجربه موفق تاریخی در تمدن اصیل دوران اسلامی، هر دو رویکرد نفی می‌شود. برای مثال چنانچه در ادبیات عرفانی ما ملاحظه می‌شود، شاعران و عارفان برجسته، ضمن حفظ مبانی فرهنگی - اعتقادی و ارزشهای اسلامی، آثار آنها سرشار از خلاقیت سبکی و بدایع مضمونی است. آنچنانکه مضمون بسیاری از آثار نظم و نثر را ترجمه ای از آیات و روایات معصومین (س) می‌دانند، با بیانی بدیع و خلاقانه، آثار اصیل معماری در دوران اسلامی نیز، ضمن حفظ اصول و جهت‌ها و غایت‌های انسانی و فرهنگی، به نظر بسیاری از کارشناسان جهان از بعد تنوع سبک‌ها سبکی و خلاقیت در کالبدها بی‌بدیل و کم‌نظیر است. مانند طراحی مساجد و خانه‌ها در دوران تمدن اسلامی که ضمن حفظ اصول نظری و عملی، از بعد کالبدی اکثر قریب به اتفاق آنها مبتنی بر مجموع شرایط محیطی خود، متنوع و بدیع هستند.

بررسی تطبیقی در رابطه مخاطبین با اثر خلق شده

۱- کسانی که اثر هنری را تجسد معنا در کالبد می‌داشتند، بنا بر این معتقد به یک برداشت مشترک و تفسیر و تأویل یکسان از اثر هنری می‌باشند و تفسیر و تأویل‌های متفاوت را بر نمی‌تابند و از برداشت‌های بدیع، عمیق و چند بعدی آثار هنری غافل و محروم می‌شدند.

۲- کسانی که اثر هنری را خنثی می‌دانستند، مبتنی بر کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی در انسان‌شناسی و وابسته داشتن هویت انسان به مجموع شرایط محیطی (زمانی و مکانی) بنا بر این تفسیر و تأویل (مخاطب محور) را به جای (متن محور) می‌پذیرند و به مخاطبین اجازه می‌دهند هر نوع برداشت خود بنیاد و خودخواهانه را از آثار هنری داشته باشند و هر نوع داوری نسبت به لرزیابی آثار هنری را مردود می‌دانند.

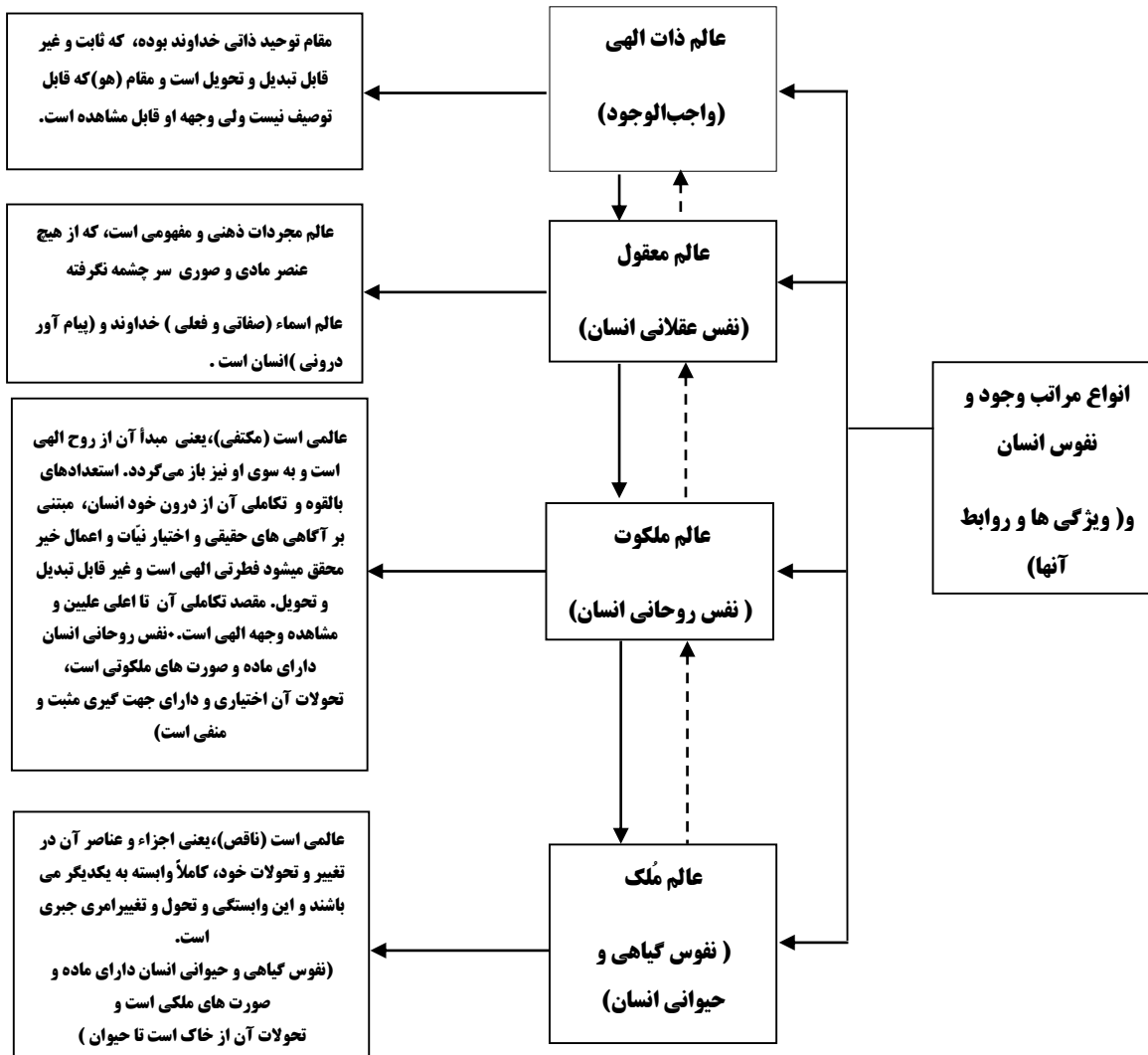
۳- از دیدگاه اسلامی که اعتقاد به تجلی معنا در صورت وجود دارد:

- اول: تفسیر و تأویل آثار هنری متن محور است.
- دوم: از آنجا که به صورت بالفعل و اعتباری هنرمندان و مخاطبان هر یک وابسته به مجموع شرایط محیطی خود می‌باشند، در یک درجه معرفتی و تکاملی نیستند، بنا بر این برداشت‌های آنها از اثر هنری متفاوت بوده و در یک سطح نیست، اما از آنجا که هنرمندان و مخاطبان به صورت بالقوه و ذاتی، یک نوع بوده و همه واجد روح الهی می‌باشند و ایده‌ها و ایده‌آل‌های آنها از صفات حسن الهی سرچشمه گرفته و به روی آن گرایش دارد، بنا بر این به صورت بالقوه درک متقابلی از ایده‌ها و انگیزه‌های یکدیگر داشته و به نسبت رشد نظری، عملی، تجربی و استعداد شخصی در رشته مربوطه می‌توانند از طریق آثار هنری با یکدیگر تعاملات ادراکی داشته باشند.

تناظر فرایندهای الهی در چهار مرحله از عالم وجود با فرایندهای انسانی

نکته اساسی در طرح رابطه معنا با صورت، به مسئله روابط عوالم وجود با یکدیگر مربوط می شود چنانکه می دانیم، از منظر حکمای اسلامی، این عوالم اجمالاً به چهار مرتبه خلاصه می شود.^{۲۴} (نمودار شماره ۹)

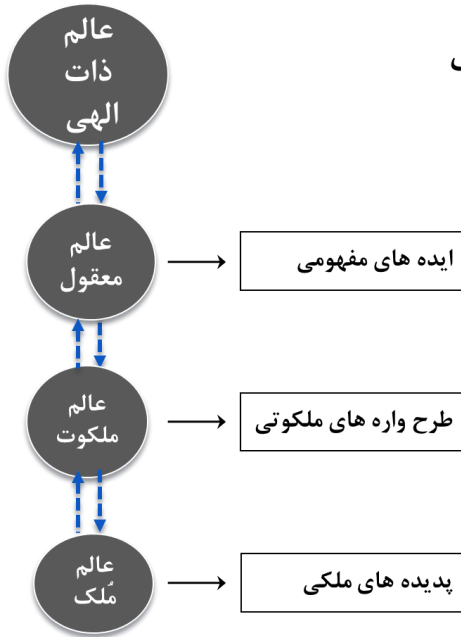
نمودار شماره ۹- مراتب وجود، ویژگیها و روابط آنها



۲۴- شهید مطهری - مجموعه آثار - جلد ۵ - صفحه ۱۵۸.

نمودار شماره ۱۰- ساختار و مراحل در خلق فرایندهای الهی

در مقایسه و تناظر با فرایندهای انسانی:



۱- آفرینش الهی شامل چهار مرحله کلی است: (عالم ذات، عالم معقول، عالم ملکوت، عالم ملک)

۲- فرایندهای انسانی شامل سه مرحله کلی است: (ایده های مفهومی، طرح واره های ملکوتی، پدیده های ملکی)

۱. بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (البقرة: ۱۱۷)
 ۲. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً. (البقرة: ۳۰)

در مورد روابط عوالم وجود، از فرازی در خطبه اول نهج البلاغه بهره برداری می‌نمائیم، که حضرت می‌فرماید « خداوند درون پدیده‌ها است و با آنها یکی نیست و بیرون آنها است و از آنها جدا نیست » ۲۵. هلمین رابطه را می‌توان متشابه رابطه عالم معقول (مجردات و مفهومی یا عقل انسان) با عالم ملکوت (نفس روحانی انسان) و عالم ملک (عالم ماده و صورتهای ملکی) یا (نفوس گیاهی و حیوانی انسان) دانست، یعنی مفاهیم و ایده های هنرمندان و معماران در پدیده های هنری و معماری آنها وجود دارد، اما با آنها یکی نیست، زیرا عوالم بالاتر، از هستی غنی تر و بسیط تری برخوردارند و در عالم پائین تر (تجسد) پیدا نمی کنند ولی به صورت آیه ای و نمادین (تجلی) پیدا می نمایند. بدون اعتقاد به رابطه فوق، مفهوم یگانگی هستی یا (توحید اسلامی) نیز، قابل تصور و تصدیق نیست. و مفهوم (کثرت در وحدت) و (وحدت در کثرت) از این رابطه نتیجه می شود و مفهوم (سیر از صورت به معنا) و مفهوم (سیر از کثرت به وحدت) و بالعکس در فلسفه هنر اسلامی، که در ساختار و مراحل خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی به آن اشاره شد از این رابطه سرچشمه می گیر. تفاوت در فرایندهای الهی با فرایندهای انسانی را حکمای اسلامی با این مفهوم تعبیر می نمایند که خداوند در مراتب وجودنازل می شود، چون غیر از او نیستی مطلق است، اما در مورد فرایند های انسانی فقط از مفهوم (تجلی) بهره برداری می‌نمائیم، به معنای آنکه، هنرمند ایده خود را در مواد و صورت های موجود با تصرف و تغییر در آنها باز آفرینی نموده و تجلی می بخشد.

انحرافات عظیم در فرهنگ و فلسفه هنر غربی، از دوران نوگرایی (مدرنیسم و پوزیتیویسم) با هستی شناسی تک ساحتی آن و محدود نمودن عوالم وجود به عالم ملک و با انسان شناسی ناقص و محدود نمودن تعریف انسان به نفس حیوانی، آغاز گردید. جریان های فرانوگرایی (پست مدرنیسم) نیز همان محدودیت های بنیانی را در معرفت شناسی و انسان شناسی پیگیری نمود و طرح مباحث روان شناسی آن نیز، عملاً به شناخت غرائز نفس حیوانی انسان منجر شد و از فطرت الهی و روح ملکوتی انسان، که حقیقت وجودی و عنصر تعالی جوی اوست، غافل ماند. جریان های ساختار شکن (نظری، عملی و کالبدی) معاصر نیز، نتایج اجتناب ناپذیر همان دیدگاه های انحرافی یعنی غفلت از مراتب و عوالم وجود و غفلت از نفوس چهارگانه انسان و روابط آنها است این نفوس و سرچشمه های آنها، قوای پنج گانه و خواص دو گانه آنها در حدیثی منقول از حضرت علی (ع) در پاسخ جناب کمیل، به زیبایی و کامل تشریح شده است. ۲۶.

۲۵- مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا مِثْرَةَ، وَغَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا مِثْرَةَ (نهج البلاغه: خطبه ۱، ص ۷۸).

۲۶- کتاب «هزار و یک نکته» حسن زاده آملی، جلد ۱ و ۲، ص: ۸۲۴، ۸۲۵.

نفوس چهارگانه انسان از منظر حضرت علی (ع):

نمودار شماره ۱۱- انواع نفوس انسان، (از حضرت علی (ع)) سرچشمه ها، قوا، خواص و زیبایی شناسی آن ها: ^۱							
نفوس انسان	قوای پنج گانه نفوس انسان					سرچشمه نفس	خواص دوگانه نفوس انسان
نفوس نامی نباتی	جذب کننده	هضم کننده	دفع کننده	پرورش دهنده	نگهدارنده و کنترل کننده	کبد	کم و زیاد شدن، رشد (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)
نفوس حسی حیوانی	شنیدن	دیدن	بوییدن	چشیدن	لمس کردن	قلب	خشنودی و ناراحتی نفس (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)
(معرفت) مرز آدمیت با (حیوانیت) انسان است.							
نفوس ناطقه قدسی	فکر (تدبیر)	ذکر (یادآوری)	علم (دانایی)	حلم (بردباری)	تنبه (بیداری و پند پذیری)	از چیزی سرچشمه نگر غته (شبیه نفس فرشتگان است)	حکمت و نزاهت (داوری و درک خوبی‌ها و بدی‌ها و زیبایی‌ها و زشتی‌ها و گرایش به خوبی و زیبایی)
نفوس کلی الهی	بقا در فنا	تنعم در سختی	عزت در ذلت	غنا در فقر	صبر در بلاء	مبدا آن از خداوند است و به او نیز باز می‌گردد.	رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی)
۱- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۷، هزار و یک نکته، تهران، انتشارات گلشن							

چنانچه در نمودار شماره ۱۱- ملاحظه فرمائید، انسان از منظر اسلامی، موجودی یک بعدی و صرفاً حیوانی نیست، بلکه موجودی است چند بعدی با (سرچشمه ها، قوا و خواص) متنوع و استعدادهای (بالقوه و بالفعل) و اراده ای آزاد بین دو جبر (قضا و قدر الهی) و دارای صبرورت و تحول وجودی مبتنی بر خود آگاهی های معرفتی و اعمال و آثار مثبت و منفی که در منابع معتبر اسلامی و فرهنگ تشیع به صورت دقیق و عمیق به آنها اشاره شده است.

از آنجا که جدول فوق دارای بنیان کاملی است و تشریح آن نیاز به بحث کافی دارد، در این مقاله به طرح آن بسنده نموده و علاقمندان را به منابع مربوطه ارجاع می دهیم.^{۲۷}

نسبت اسلام با مرحله پنجم از فرایندهای انسانی

در مرحله پنجم از ساختار خلق آثار هنری، تأثیر آثار است بر خود هنرمند و مخاطبین آثار. در فرهنگ اسلامی در رابطه با آنچه اتفاق افتاده، تجربه شده و آثار گذشته است، مفهوم عمیق (عبرت) را مطرح می نماید. یعنی پند گرفتن از تجربیات گذشته، به نحوی که از نکات مثبت آن

^{۲۷}- کتاب تعامل ادراکی انسان با ایده های فضایی- هندسی در معماری، عبدالحمید نقره کار، ص ۴۴

بهره مند گردیم و از نکات منفی آن مانند پل عبور کنیم و مجدداً دوچار آن نشویم. بهمین مضمون حدیثی اشاره می نماید که « مؤمن دو بار از یک سوراخ گزیده نمی شود»^{۲۸}

بنابراین هنرمندان و معماران باید نسبت به نتایج آثار خود بر روی مخاطبان و محیط زیست حساس بوده و احساس مسئولیت نمایند. جریانهای که به اصطلاح (متن اثر هنری را خنثی) و (مرگ مؤلف) را در آثار هنری اعلام می نمایند، کاملاً از این حقیقت غافلند، که افکار و رفتار و آثار انسانها به صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه در آثار آنها تأخیر می گذارد و در نهایت، شخصیت و سرنوشت آنها را رقم می زند. صورتیکه از تجربیات عملی و آثار آنها عبرت گرفته شود، راه تکاملی و سیر متعالی انسان گشوده می گردد و این شیوه تنه‌راه سیر و سلوک تکاملی انسان را چه از بُعد علوم تجربی و چه از بُعد روحی و معنوی است. نکته مهم و قابل توجه، تفکیک تأثیر آثار بر روی مخاطبین از بُعد مادی نسبت به بُعد معنوی آنها است. زیرا، ابعاد مادی آثار، جبراً بر محیط و بر مخاطبین تأثیر گذار هستند.

بعنوان مثال، ساختمانی که استانداردهای لازم عملکردی و مهندسی را رعایت نکرده باشد، قطعاً و جبراً برای بهره‌وران ایجاد مشکل می نماید. اما در بُعد معنوی و روحی، هنرمندان و معماران، تنها می توانند، زمینه و بستر لازم را ایجاد نمایند، زیرا تکامل معنوی و روحی در حوزه (آزادی) انسانها است و امری (آگاهانه و اختیاری) است. مخاطبین در مقابل هر اثر هنری، اگر آگاهی و انگیزه لازم رانداشته باشند، بهره‌برداری معنوی و تکاملی نخواهند داشت. به همین دلیل خداوند در قرآن، انسانهای غافل را همچون حیوانات، بلکه پست‌تر از حیوانات معرفی می نماید؛ زیرا همچون حیوانات در ساحت (حس و غریزه) سیر می نمایند و به نفس عقلانی و روحانی خود کفر ورزیده، از آن غافلند.

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که « مؤمن در مسجد مانند ماهی است در آب و منافق در مسجد مانند پرنده ای است در قفس. ملاحظه می شود، در یک مکان ثابت، بسته به نوع مخاطب، دو نوع رویداد و دو نوع قرائت از محیط، ایجاد می شود. مؤمن یعنی کسی که، در ساحت عقلانیت و عبادت سیر می کند، مسجد را که فضائی درونگرا، سکون آفرین و تفکر بر انگیز است، مناسب‌ترین فضا برای حضور قلب و خودآگاهی روحی خود تشخیص می دهد یعنی (ماهی درون آب است)، اما منافق، یعنی کسیکه در ساحت نفس حیوانی (حسی - غریزی) سیر می‌کند و لیدر ظاهر بر عبادت مسموم می‌آید، از آنجا که در فضای معنوی مسجد، زمینه ای برای سیر در آفاق و بهره‌برداریهای غریزی ندارد، بنابراین مانند (پرنده ای است که در قفسی گرفتار شده است) و تلاش می کند هر چه زودتر از مسجد خارج شود.

در حدیث دیگری، معصومین (س) می فرمایند «شرف المکان بالمکین». یعنی حیثیت و شخصیت و شأن مکانها و فضاها، وابسته به حیثیت و شخصیت و شأن انسان هائی است، که در آن حضور می یابند. بنابراین مکانها و فضاهای معماری نقش وسیله و زمینه مثبت یا منفی را برای مخاطبین فراهم می کنند و بهره‌برداری معنوی و تکاملی انسانها، در حوزه آگاهی و آزادی آنها قابل وصول است. نکته دیگری که در این مرحله بسیار حائز اهمیت است، دیدگاه اسلامی در مورد (تفسیر متن محور) است و تفسیر به رأی (تفسیر مخاطب محور) را بشدت تقبیح می کند. در مجموع از منظر اسلامی، تعاملات فرهنگی، از طریق آثار هنری، می تواند عمیق‌ترین تأثیرات مثبت یا منفی را بر مخاطبین بگذارد و از این جهت هنرمندان و معماران مسئول تأثیرات، آثار خود بر مخاطبین می‌باشند. (در نمودار شماره ۸-دو بعد (انواع) بودن انسانها را مبتنی بر مجموع شرایط محیطی و بعد یک (نوع) بودن انسانها را مبتنی بر روح الهی آنها، در رابطه هنرمندان با آثار هنری و مخاطبین مطرح شده است.

^{۲۸} - پیامبر اکرم (ص): «الْمُؤْمِنُ لَا يُدْعَى مِنْ جُحْرِ مَرْتَبٍ». (بحار الأنوار: ج ۱۹، ص: ۳۴۵)

^{۲۹} - از معصومین سلام الله عليهم است که فرمودند: افکار، گفتار تو را، گفتار رفتار تو را، رفتار عادت‌های تو، عادت‌ها شخصیت تو و شخصیت تو سرنوشت ترا می‌سازد.

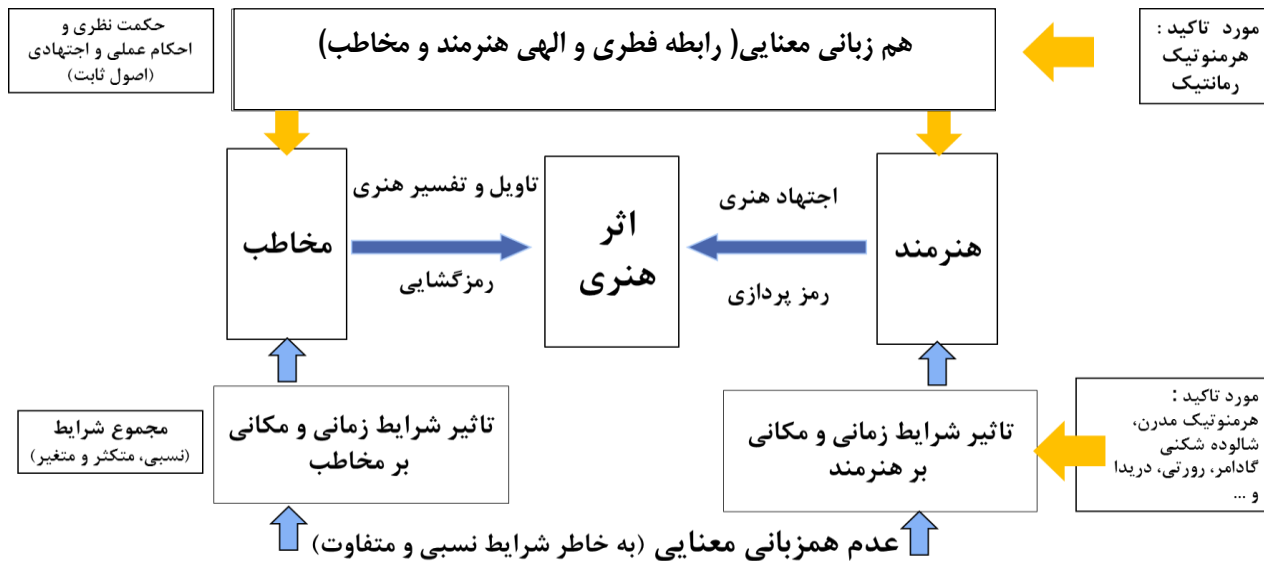
^{۳۰} - «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَىٰ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ». و در حقیقت، بسیاری از جتبان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگاند. (سوره: الاعراف، آیه: ۱۷۹)

^۳ - المومن فی المسجد کالسمک فی الماء و المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس. «مومن در مسجد مانند ماهی در آب است و به محیط خود احساس نیاز می کند و منافق در مسجد مثل پرنده در قفس است و از محیط خود در تنگنا و گریزان است». اگرچه مشهور است که این جمله از پیامبر اکرم (ص) است ولی طبق جستجوهای انجام شده سندی برای آن یافته نشده، تنها در دو کتاب از اهل سنت این جمله بدون انتساب به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده و به نظر می‌رسد سخنی از یکی از بزرگان بوده است. (کتاب "کشف الخفاء"، تألیف عجلونی، ج ۲، ص ۲۹۵ و کتاب شرح سنن ترمذی به نام تحفه الاحوذی"، ج ۷، ص ۵۸)

^{۳۲} - علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار به این حدیث اشاره کرده اند. اما در جستجوها سندی که اشاره داشته باشد حدیث از کدام ائمه معصوم است نیافتیم.

رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین از دیدگاه اسلام

نمودار شماره ۱۲ - تبیین روابط سه گانه هنرمند، آثار هنری و مخاطبین



از منظر اسلامی: هنرمند و مخاطب به صورت فطری و بالقوه (یک نوع) هستند و به صورت اعتباری، و بالفعل (انواع) هستند.

جمع بندی و نتیجه گیری

تعریف جامع و مانع معماری از منظر اسلامی

با توجه به مقدمات فوق، یعنی نسبتاً جامع و مانع را در مورد رشته معماری به شرح ذیل پیشنهاد می نمایم.

تعریف رشته معماری: « بازآفرینی حکیمانه، عادلانه و مصلحانه فضا و محیط زیست انسانها است، با عناصر طبیعی و مصنوعی متناسب با نیازهای مادی آنها و بسترسازی نیازهای روحی و تکاملی آنها».

نمودار شماره از پاور پوینت

تشریح و تبیین تعریف فوق و راهبردها و راهکارهای تحقق معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانپوروش‌های تحقیق مناسبرایمباحث میانداانشیاز این محقق و همکاران را می توانید از منابع ذیل تحقیق نمایند.

۱- در آمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی - سال ۱۳۸۷ - وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دفتر معماری و طراحی شهری.

۲- برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری - سال ۱۳۹۴ - خیابان انقلاب اسلامی، کتاب فکر نو

۳- تعامل ادراکی انسان با ایده های فضایی - هندسی در معماری - سال ۱۳۹۳ - مؤسسه انتشارات امیر کبیر

۴- مبانی نظری معماری - سال ۱۳۸۹ - انتشارات دانشگاه پیام نور

۵- تحقق پذیری هویت در معماری و شهرسازی - سال ۱۳۹۶ - خیابان انقلاب اسلامی، کتاب فکر نو

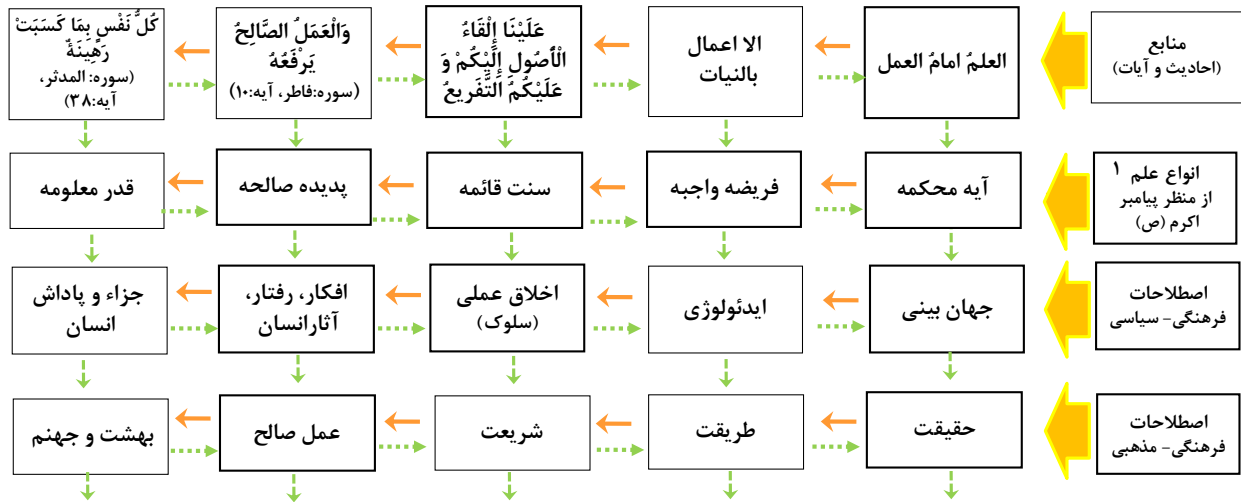
۶- مجموعه مقالات (شامل ده مقاله) از حکمت اسلامی در فرایندهای هنری و معماری - سال ۱۳۹۶ - جهاد دانشگاهی قزوین

نتایج این رساله در هر مورد با یک جدول جمع بندی و نتیجه گیری شده است، اما در جهت تبیین و تشریح دقیق تر نسبت اسلام با فرایندهای انسانی ابتدا نمودارهایی را ارائه می نمایم که نسبت اسلام را با فرایندهای انسانی از ابعاد بسیار متنوع مورد بررسی و تبیین قرار داده است.

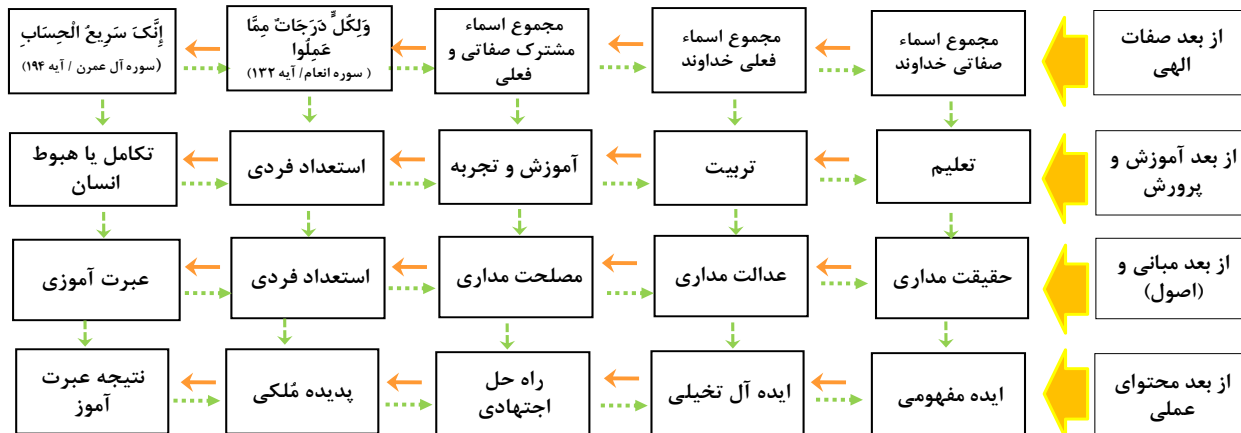
تعریفی جامع و مانع از رشته معماری را مطرح نموده و آنگاه جداول ارزیابی کمی و کیفی آثار معماری را ارائه می نمایم. نمودار

(شماره ۱۳) به شرح ذیل ارائه می شود.

نمودار شماره ۱۳- نظریه انکشافی از نسبت اسلام با ساختار و مراحل در (فرایندهای انسانی)



۱- قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاكُنَّ فَهِيَ فَضْلٌ
پیغمبر (ص) فرمود: همانا علم سه چیز است: آیه محکم، فريضة عادل، سنت پابرجا، و غیر از این فضل است. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۳۷ روایه ۱)



از آنجاکه یک رویکرد جامع و مانع علاوه بر (سیاست ها، راهبردها، راهکارها، راه حل ها و مصادیق برجسته) باید راهکاری برای ارزیابی و نقد آثار و مصادیق نیز ارائه نماید، در این نمودارهای شماره (۱۴ و ۱۵) را به عنوان ارزیابی (کیفی) و (کمی) یا (مادی) و (معنوی) آثار و فرایندهای انسانی (هنری، معماری و شهرسازی) به شرح ذیل ارائه می نماید.

نمودار شماره ۱۴ - ارزیابی فرایندهای معماری از منظر اسلامی:

۱- ارزیابی اثر معماری از بعد تأثیرات کیفی (معنوی)

ابعاد بستن ساز معنوی، دارای اصول (ثابت) و غیر وابسته به شرایط زمانی و مکانی هستند.						عناصر اصلی و کیفی در معماری	مراحل خلق اثر معماری	
نوع مخاطبین و حاضرین در فضای معماری	نوع ارتباط با زمینه فرهنگی و تاریخی شهر و کشور	نوع ارتباط با زمینه فرهنگی و اجتماعی شهر	نما و نمادهای مطلوب و مناسب	آرایه های مطلوب و مناسب	ایده های هندسی - فضایی مطلوب و مناسب			
						دانش و بینش معمار (معیارهای زیبایی شناسی)	۱	
						نیت و انگیزه معمار (فلسفه هنر و حقوق)	۲	
						روش عملی معمار (سبک های معماری و اخلاق حرفه ای)	۳	
						اثر معماری (پدیده موجود)	۴	
						تأثیرات بر معمار	۵	تأثیرات معماری بر مخاطبین
						تأثیرات بر مخاطبین		



نمودار شماره ۱۵ - ارزیابی فرایندهای معماری از منظر اسلامی:

۲- ارزیابی اثر معماری از بعد تأثیرات کمی (مهندسی):

ابعاد کمی و مهندسی اثر دارای اصولی (نسبی، متغیر، متکثر و وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی) هستند.						عناصر اصلی و کمی در معماری	مراحل خلق اثر معماری	
رعایت ابعاد اقتصادی ساختمان و نگهداری از آن	رعایت ابعاد اقلیمی، محیطی و بایرداری ساختمان	رعایت ابعاد تأسیساتی ساختمان	رعایت ابعاد مقاومتی ساختمان	روابط مطلوب عناصر عملکردی	عناصر لازم عملکردی و ابعاد مناسب آن			
						دانش و بینش معمار (معیارهای زیبایی شناسی)	۱	
						نیت و انگیزه معمار (فلسفه هنر و حقوق)	۲	
						روش عملی معمار (سبک های معماری و اخلاق حرفه ای)	۳	
						اثر معماری (پدیده موجود)	۴	
						تأثیرات بر معمار	۵	تأثیرات معماری بر مخاطبین
						تأثیرات بر مخاطبین		



در این رساله (فرایندهای انسانی) در ذیل (فرایند الهی) در کل هستی تبیین و مبتنی بر مکتب اسلام و اصول دین و اصول مذهب تشریح و مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است. با این ساختار و مراحل اسلامی آن می توان کلیه فرایندها و آثار انسانی را در حوزه های مختلف آموزشی، پژوهشی، طراحی و اجرائی مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی و سنجش قرار داد.

پیشنهادات و سؤالات مربوط به نتیجه گیری :

۱- این جداول که power point هستند در word به جدول تبدیل شوند تا بهتر بتوان درباره آنان تجدید نظر نمود و تغییر داد.

منابع و مآخذ مقاله

- ۱) متشابه القرآن، ابن شهر آشوب، و مختلفه، ۱۳۶۴، ج ۱ ص ۱۹۳
- ۲) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۱، ص ۳۷۲
- ۳) قرآن، النحل، ۹۰ و ۹۱.
- ۴) بحار الأنوار، علامه محمد تقی مجلسی، ج ۲، ۲۴۵
- ۵) فصلنامه اسراء، عبد الحسین خسرو پناه، سال سوم - شماره دوم - ص ۳۱.
- ۶) الکافی: تألیف شیخ کلینی، ج ۱، ص: ۵۸
- ۷) مجموعه آثار، شهید مطهری، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، ص: ۱۶۱
- ۸) عوالی الالکی، ج ۴، ص ۱۰۳
- ۹) نهج البلاغه علی علیه السلام، فیض الاسلام، نهج البلاغه، ۱۳۷۵، ج ۳۰
- ۱۰) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۴۴
- ۱۱) هزار و یک نکته، حسن زاده آملی، ج ۱ و ۲، ص: ۸۲۵، ۸۲۴
- ۱۲) تعامل ادراکی انسان، عبدالحمید نقره کار، ص ۴۴
- ۱۳) کشف الخفاء، عجلونی، ج ۲، ص ۲۹۵
- ۱۴) کتاب حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷ ص ۱۰۲